



تقديم به ساحت مقدّس بقيّة الله الاعظم، حضرت
صاحب الزّمان، عجل الله تعالى فرجه الشريف

چهل حدیث پیرامون

امام مهدی
و
میراث سلف صالح

با مقدمه

حضرت آیه الله صابری همدانی

جلالیان، حسن
امام مهدی (عج) و میراث سلف صالح / حسن جلالیان: با مقدمه
صابری همدانی. - تهران: موعود عصر (عج)، ۱۳۸۴.
۱۰۸ ص.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۶۸-۸۵-۱

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه به صورت زیر نویس.
م ح م د بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - الف. صابری
همدانی، احمد، ۱۳۰۲ - ب. عنوان.
۱. رؤیت: ع. مهدویت انتظار، الف. مؤسسه فرهنگی موعود
عصر (عج).

۲۹۷/۹۵۹
۸۲-۴۰۷۰۵ م

۵۱ BP / الف ۸
کتابخانه ملی ایران

امام مهدی (ع) و میراث سلف صالح

(با مقدمه حضرت آیت الله صابری همدانی)

نویسنده: حسن جلالیان

ناشر: موعود عصر (عج)

سال نشر: زمستان ۱۳۸۸

شمارگان: ۵۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۶۸-۸۵-۱

چاپخانه: پیام

نوبت چاپ: دوم

قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، ص. پ: ۸۳۴۷-۱۴۱۵۵

شماره تلفن: ۶۶۹۵۶۱۶۷ شماره فاکس ۶۶۹۵۶۱۶۸

آدرس اینترنتی: www.yaranshop.ir

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُوْ اِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَ سِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ
وُقُوعَ الْفِتَنِ وَ تَظَاهِرَ الْاَعْدَاءِ وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا فَافْرُجْ
ذٰلِكَ يَا رَبِّ عَنَّا بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ نَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَ اِمَامٍ عَدْلٍ
تُظْهِرُهُ اِلَهَ الْحَقِّ اٰمِيْنَ

فهرست مطالب

مقدمه حضرت آیت‌الله صابری همدانی.....	۹
مقدمه.....	۱۰
فصل اوّل: امام مهدی 7 وارث علم انبیا و	۱۱
فصل دوم: امام مهدی 7 وارث اسم اعظم.....	۱۷
فصل سوم: امام مهدی 7 وارث صحف انبیا :	۲۱
فصل چهارم: امام مهدی 7 وارث ودایع انبیا :	۲۹
۱. عصای موسی 7.....	۳۱
۲. حَجَر (سنگ) حضرت موسی 7.....	۳۴
۳. تابوت الشهاده (تابوت سکینه).....	۳۷
۴. پیراهن حضرت یوسف 7.....	۳۹
۵. طشت حضرت موسی 7، انگشتر حضرت سلیمان 7.....	۴۱
شمشیر، پرچم و زره پیامبر اکرم 9.....	۴۱
فصل پنجم: امام مهدی 7 وارث ودایع امامت.....	۴۷
۱. کتاب جامعه علی 7.....	۴۹
۲. مُصْحَفِ امیرالمؤمنین، علی 7.....	۵۹
فصل ششم: امام مهدی 7 وارث مصحف.....	۶۵
حضرت زهرا 3.....	۶۵

فهرست منابع و مآخذ..... ۷۱

ملحقات..... ۷۵

مقدمه حضرت آیت الله صابری همدانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ودایع و موارث پیامبران که در اخبار و آثار اسلامی بدانها اشاره شده عطیه ویژه الهی است که در دست انبیای بزرگ و برخی از اوصیا و جانشینان آنان بوده است و نشانه رهبری دینی و الهی شناخته می شده، پیغمبر بزرگ اسلام همه این ودایع و موارث را به علاوه علوم جمیع انبیا : دارا بوده و از آن حضرت به خلیفه و جانشین آن حضرت امیرالمؤمنین امام علی بن ابی طالب 7 منتقل شده و از آن حضرت به سایر امامان معصوم یکی پس از دیگری رسیده است و اکنون همه آن ودایع و موارث با مصحف فاطمه زهرا 3 و کتاب جعفر و جامعه امام علی بن ابی طالب 7 که حاوی احکام و مسائل زیاد و مخصوص آن حضرت است نزد امام دوازدهم امام زمان حضرت مهدی (عج) موجود است و وارث همه آنها است.

مؤلف محترم کتاب (امام مهدی 7 و میراث سلف صالح) فاضل ارجمند جناب آقای حسن جلالیان دام توفیقه زحمت کشیده این ودایع و موارث را از کتب معتبره گردآورده در اختیار علاقه مندان قرار داده است. گرچه برخی از روایات توجیه و تأویل مناسب را می طلبد اما در مجموع برای خوانندگان مفید و موجب ارادت و اعتقاد به ائمه اطهار : می گردد.

خداوند مؤلف را پاداش بزرگ عطا فرماید.

احمد صابری همدانی

۱۴۲۵ ق، برابر ۱۳۸۳ ش

مقدمه

با تقدیم خالصانه‌ترین سلام‌ها و درودها به جان جهان، یادگار علی و فاطمه، امام مهدی 7. مقدمه این کتاب را با حمد و سپاس به درگاه مقدس حضرتش آغاز نمایم و خدای سبحان را شاکرم که این توفیق را به بنده خویش عنایت فرمود تا با بضاعت اندک در راستای یکی از موضوعات مربوط به امامت امام مهدی 7 قلم بزنم.

انگیزه‌ام از نوشتن کتاب معرفی و شناساندن بخشی از مسائلی است که به آن بزرگوار مربوط می‌شود و تا کنون کتابی مستقل در این موضوع ندیده‌ام.

این کتاب با استفاده از آیات و روایات از کتب مهم و معتبر تهیه شده و موضوع آن مواردی است که از انبیای بزرگ الهی و امیرالمؤمنین علی 7 و حضرت زهرا 3 به دست امام عصر 7 رسیده است؛ آن بزرگوار از این موارد در حرکت عظیم ظهور و قیامش استفاده می‌نماید.

لازم می‌دانم که دانشمند معظم و مجتهد عالیقدر حضرت آیت‌الله آقای صابری همدانی که این اثر را در دو نوبت بررسی و مقدمه‌ای نیز بر آن تنظیم نمودند کمال تشکر و سپاسگذاری را داشته باشم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حسن جلالیان

فصل اوّل

امام مهدی 7 وارث علم انبیا

و اوصیای سلف :

امام مهدی 7 که راهنمای امت است، همه علوم انبیا و ائمه پیش از خود را به تمامی به ارث برده و میراث‌دار جمیع دانش‌ها است.

در این باب احادیثی از ائمه معصومین : وارد شده است که اثبات می‌نماید همه علوم و دانش‌هایی که در نزد پیامبران الهی و ائمه معصومین بوده است به آخرین حجت الهی و دوازدهمین وصی پیامبر 9 رسیده است و حضرت مهدی 7 وارث علوم انبیا و ائمه است.

برای نمونه چندین حدیث که مؤید این موضوع است را در این بخش ذکر می‌کنیم. امام باقر 7 فرمود:

اِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَرْفَعْ وَالْعِلْمُ يَتَوَارَثُ وَكَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَالِمًا هَذِهِ الْأُمَمَ وَ أَنَّهُ لَمْ يَهْلِكْ مِنَّا عَالِمٌ قَطُّ إِلَّا خَلَفَهُ مِنْ أَهْلِهِ مِنْ عِلْمٍ مِثْلَ عِلْمِهِ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ^۱

علمی که با حضرت آدم 7 نازل شد برداشته نشد و علم به ارث می‌رود، علی 7 عالم این امت بوده و حق این است که از خانواده ما هرگز عالمی نمیرد مگر آنکه کسی از اهلش که مثل علم او را بداند جایگزینش گردد یا آنچه را خدا خواهد.

این حدیث شریف معلوم می‌نماید آن علومی که به حضرت آدم 7 نازل شده، از بین نرفته بلکه به‌عنوان میراث نبوت به

۱. اصول کافی (۶ جلدی)، ج ۲ (کتاب الحجة باب ان الائمه (ع) ورثة العلم)، ح ۲، ص ۱۸۸ با ترجمه مرحوم آیت الله محمدباقر کمره‌ای.

خاتم الانبیا ۹ رسیده است و از ایشان هم به ائمه دوازده گانه که آخرین آن بزرگواران امام مهدی ۷ است. و در حدیثی دیگر از امام صادق ۷ وارد شده است که آن بزرگوار فرمودند:

اِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ ۷ لَمْ يَرْفَعْ وَمَا مَاتَ عَالَمٌ اِلَّا وَقَدْ وُثِرَتْ عِلْمُهُ، اِنَّ الْاَرْضَ لَا تَبْقَى بِغَيْرِ عَالِمٍ^۱
به درستی علمی که با آدم ۷ نازل شد بر داشته نشد، عالمی نمرده مگر اینکه علم خود را به دیگری به ارث داده است، به راستی زمین بی عالم نمی ماند.

وجود مبارک امام مهدی ۷ صاحب تمامی علوم و دانشهای پیشین است و این علوم برای حرکت عظیمی که آن بزرگوار قصد انجامش را دارد لازم است؛ زیرا آن کس که قرار است عالی ترین حکومت روی زمین را بر مبنای عدل: قسط و دین خدا اقامه کند و وعده خدا را در روی زمین تحقق بخشد و موعود تمام ادیان توحیدی و غیر توحیدی است، باید تمام علوم و دانش ها را در خود داشته باشد.

آن بزرگوار انسان کامل و مطلق در جهان هستی است که ما چشم به انتظار ظهورش دوخته ایم و امید است که توفیق دیدارش را در ظهور ملکوتیش نظاره گر باشیم. ان شاء الله. روایتی دیگر از وجود مبارک امام باقر ۷ در این خصوص نقل شده است:

عن ابی جعفر ۷ قال رسول الله ۹

۱. همان، ص ۱۹۲ با ترجمه مرحوم آیت الله محمدباقر کمره ای.

امام مهدی 7 و میراث سلف صالح ﴿﴾ ۱۵

أَنَّ أَوَّلَ وَصِيِّ كَانَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، هِبَةُ اللَّهِ بْنِ آدَمَ 7 وَ مَا مِنْ نَبِيٍّ مَضَى إِلَّا وَلَهُ وَصِيٌّ وَ كَانَ جَمِيعُ الْأَنْبِيَاءِ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ عَشْرِينَ أَلْفِ نَبِيٍّ مِنْهُمْ خَمْسَةٌ أُولُو الْعِزْمِ، نُوحٌ وَ إِبْرَاهِيمُ وَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مُحَمَّدٌ : وَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ 7 كَانَ هِبَةَ اللَّهِ لِمُحَمَّدٍ وَ وَرِثَ عِلْمَ الْأَوْصِيَاءِ وَ عِلْمَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ، أَمَا إِنَّ مُحَمَّدًا وَرِثَ عِلْمَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ.^۱

امام باقر 7 فرمود:

رسول خدا 9 فرمودند: به درستی نخستین وصی که در روی زمین بوده است، هبه الله، پسر آدم 7 بوده و پیامبری درنگذشت مگر اینکه وصی داشت، همه پیامبران یکصد و بیست هزار بودند که پنج نفر آنها اولوالعزمند؛ نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد 9؛ و براستی علی بن ابی طالب 7 هبه الله برای محمد 9 بوده و علم همه اوصیا و پیشینیان خود را به ارث برده است و محمد 9 علم همه انبیا و مرسلین پیش از خود را به ارث برده است.

۱. اصول کافی، ج ۲ (کتاب الحجه باب ان الائمه ورثوا علم النبی و جمیع الانبیاء و الأوصیاء الذین من قبلهم)، ح ۲، ص ۱۹۴.

فصل دوم

امام مهدی 7 وارث اسم اعظم

وجود مبارک امام عصر 7 که آخرین وصی الهی و ذخیره تام و کامل انبیای سلف و خصوصاً جد بزرگوارش پیامبر اکرم 9 و اوصیای قبل از خود، یازده امام : است، اسم اعظم را به ودیعت گرفته و وارث اسم اعظم است. در این زمینه احادیثی وارد شده است که ما در این بخش به چند حدیث اشاره می‌کنیم. امام صادق 7 فرمودند:

عیسی بن مریم دو حرف از اسم اعظم را داشت و با آن دو حرف کار می‌کرد و موسی بن عمران چهار حرف داشت و ابراهیم دارای هشت حرف بود و به نوح ۱۵ حرف و به آدم بیست و پنج حرف و خداوند آنها را برای محمد 9 و اهل بیتش جمع کرد و اسم اعظم هفتاد و سه حرف است که خداوند به حضرت محمد 9 هفتاد و دو حرف داده است.^۱

این حدیث روشن می‌نماید که اسم اعظم الهی هم جزء مواریث انبیا و ائمه سلف : است و این اسم اعظم در حال حاضر نزد این بزرگوار است تا هم در حال حاضر و هم در هنگام ظهور و قیامش مورد استفاده قرار دهد. در حدیث دیگری امام باقر 7 فرموده‌اند:

اِنَّ اِسْمَ اللّٰهِ الْاَعْظَمَ عَلٰی ثَلَاثَةِ و سَبْعِیْن حَرْفًا و اِنَّمَا كَانَ عِنْدَ آصَفَ مِنْهَا حَرْفٌ وَاحِدٌ، فَتَكَلَّمْ بِهٖ فَخَسَفَ بِاَلْاَرْضِ مَا بَیْنَهُ و بَیْنَ سَرِیرِ بَلْقِیْسَ حَتّٰی تَتَاوَلَ السَّرِیرُ بِیَدِهِ ثُمَّ عَادَتِ الْاَرْضُ کَمَا

۱. بحار الأنوار، ج ۲۷، ح ۲، ص ۲۵.

كَانَتْ اسْرَعُ مِنْ طَرَفِ الْعَيْنِ وَ نَحْنُ عِنْدَنَا مِنَ الْاِسْمِ الْاَعْظَمِ اثْنَانِ
و سَبْعُونَ حَرْفًا وَ حَرْفٌ وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى اسْتَأْثَرِ بِهِ فِي عِلْمِ
الْغَيْبِ عِنْدَهُ وَ لَاحَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ^۱

اسم اعظم خدا، هفتاد و سه حرف است و تنها یک حرف آن نزد
آصف بود و آصف آن یک حرف را گفت و زمین میان او و تخت
بلقیس شکافته شد تا او تخت را به دست گرفت، سپس زمین به
حالت اول بازگشت و این عمل در کمتر از چشم برهم زدن انجام
شد و ما هفتاد و دو حرف از اسم اعظم را داریم و یک حرف هم
نزد خداست که آن را در علم غیب برای خود مخصوص ساخته
است و لَاحَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ.

پس در این فصل با استفاده از روایت روشن ساختیم که یکی
از مواردی که در نزد امام مهدی ۷ است اسم اعظم است که
از حضرت آدم ۷ تا خاتم ۹ و از ایشان تا امام یازدهم و از
ایشان هم به وجود نازنین حضرت حجه بن الحسن العسکری ۹
رسیده است.

۱. اصول کافی، ج ۱ کتاب الحجه باب ما أُعْطِيَ الْاِئِمَّةُ مِنْ اِسْمِ اللَّهِ الْاَعْظَمِ، ح ۱،
ص ۳۲۴.

فصل سوم

امام مهدی 7 وارث

صفحات : 1

یکی دیگر از موارد سلف که در نزد امام عصر 7 است، صحف انبیا : است و صُحُف به معنای قطعه‌ای پوست است که بر روی آن نوشته‌ای باشد و این معنای لغوی صحف است؛ ولی در اصطلاح صحف، یعنی کتابهای که به انبیای پیشین نازل شده است.

در قرآن به کتابهای آسمانی صحف اطلاق شده است و یکی از نامهای قرآن صُحُف است؛ مُبَيِّن این مطلب آیه ۲ سوره بینه است که می‌فرماید: رَسُوْلٌ مِّنَ اللّٰهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً.

[پیامبری از جانب خدا کتاب‌های پاک می‌خواند].

اما صحفی که بر انبیا : نازل شده است عبارتند از:

۱. صُحُفِی که بر حضرت آدم 7 نازل شده مشتمل بر ۱۰ صحیفه بوده است.

۲. صُحُفِ حضرت ابراهیم 7 که مشتمل بر ۱۰ صحیفه بوده است و در قرآن سوره اعلی، آیات ۱۸ و ۱۹ می‌فرماید:

اِنَّ هٰذَا لَفِی الصُّحُفِ الْاُولٰی صُحُفِ اِبْرٰهیمَ و موسٰی.

ابوذر روایت کرده است که رسول خدا 9 فرمود:

حق تعالی ۲۰ صحیفه بر ابراهیم فرستاد که همه حکمتها و مثل‌هاست.

ابوذر گفت: آیا در قرآن چیزی از صحف ابراهیم هست؟

پیامبر فرمود:

ای ابوذر بخوان این آیات را: اِنَّ هٰذَا لَفِی الصُّحُفِ الْاُولٰی - صُحُفِ

ابراهیم و موسی.^۱

۳. صحف حضرت ادريس ۷، که مشتمل بر ۳۰ صحیفه بوده است: نام این پیامبر دو بار در قرآن ذکر شده است. یکبار در سوره مریم، آیه ۶۰:

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اَدْرِيسَ اِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا.

او در این کتاب ادريس را یاد کن که او نیز بسیار راستگو و پیامبر بود.]

و همچنین سوره انبیا آیه ۸۵:

وَ اِسْمَاعِيلَ وَ اَدْرِيسَ وَ ذَالِكْفَلٍ كُلُّ مِنَ الصَّابِرِينَ.

او اسماعیل و ادريس و ذوالکفل همه از صابران بودند.]

۴. زبور حضرت داود ۷: داود (یعنی محبوب) از پیامبران بنی اسرائیل است که نام شریفش شانزده بار در قرآن مجید در سوره‌های (بقره ۲۵۱ - نساء ۱۶۳ - مائده ۷۸ - انعام ۸۴ - اسراء ۵۵ - انبیا ۷۸ و ۷۹ نمل ۱۵ و ۱۶ - سبأ ۱۰ و ۱۳ - ص ۲۶ ۲۴ ۲۲ و ۱۷ و ۳۰) ذکر شده است.

یهودیان او را صاحب کتاب نمی‌شناسند و تنها سرودهای منتسب به او را مزامیر نامیده‌اند، ولی قرآن در سوره انبیا آیه ۱۰۵ کتاب داود ۷ را این‌گونه معرفی می‌نماید:

وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ الْاَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحِينَ.

او به تحقیق بعد از تورات در زبور نوشتیم که بندگان صالح از وارثان زمین خواهند شد.]

۱. حیات القلوب مجلسی، ج ۱، ص ۱۳۲.

و همچنین خداوند سبحان در سوره نساء آیه ۱۶۳ و در سوره اسراء آیه ۵۵ می‌فرماید:

... وَاَتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا.

در اثبات این مطلب که صحف ابراهیم و موسی همان الواح است و به دست مبارک پیامبر ۹ رسیده است، روایتی را از کتاب شریف اصول کافی نقل می‌نمایم:

ابوبصیر می‌گوید امام صادق 7 به من فرمود:

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ اللَّهَ (عَزَّوَجَلَّ) لَمْ يَعْطِ الْأَنْبِيَاءَ شَيْئًا إِلَّا وَقَدْ أُعْطَاهُ مُحَمَّدٌ ۙ وَقَدْ أُعْطِيَ الْأَنْبِيَاءَ وَعِنْدَنَا الصَّحَفُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) فِي صَحْفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى. قُلْتُ جَعَلْتَ فِدَاكَ هِيَ الْأُولَاحُ؟ قَالَ: نَعَمْ.^۱

ای ابا محمد، خدای عزوجل چیزی به پیغمبران عطا فرموده جز آنکه آن را به محمد ۹ عطا فرموده و همه آنچه را که به پیغمبران داد به محمد ۹ نیز عطا فرمود؛ و آن صحفی که خدای عزوجل (صحف ابراهیم و موسی) فرماید، نزد ماست. عرض کردم: آن صحف همان الواح است؟ فرمود، بلی.

و همچنین در روایتی دیگر درباره زبور حضرت داود 7 و اینکه این کتاب نیز جزء مواریثی است که به پیامبر اکرم ۹ و سپس به ائمه و در نهایت به دست مبارک امام عصر 7 رسیده است؛ را نقل می‌کنیم.

ابن سنان از امام صادق 7 راجع به قول خدای عزوجل، وَ

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجه، باب ان الائمه ورثوا علم النبی و جميع الانبياء و الأوصياء)، ح ۵، ص ۳۲۷.

لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ پُرسید که زبور چیست و ذکر کدامست؟ فرمود:

الذِّكْرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالزَّبُورُ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى دَاوُدَ وَكُلِّ كِتَابٍ نَزَلَ فَهُوَ

عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَنَحْنُ هُمْ.^۱

ذکر نزد خداست و زبور آنست که بر داود نازل شد و هر کتابی که نازل گشته است نزد اهل علم است، و ما اهل علم هستیم.

۵. تورات

تورات نام کتاب حضرت موسی 7 است که به صورت الواح به حضرت موسی 7 نازل گردیده است و در قرآن هجده بار از تورات نام برده شده است، در سوره‌های (آل عمران آیات ۳، ۴۸، ۵۰، ۶۵، ۹۳؛ مائده آیات ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۶۶، ۶۸، ۱۱۰؛ اعراف آیه ۱۵۷؛ توبه آیه ۱۱۱؛ صف آیه ۶؛ فتح آیه ۲۹؛ جمعه آیه ۵). البته تورات در اصطلاح قرآن همان تورات اصل و تحریف نشده است و این توراتی که در نزد یهودیان موجود است، دستخوش تحریفات گسترده‌ای شده است و توحید و مقام انبیا پس از موسی به شکل زنده‌ای معرفی شده است.

لذا توراتی که به عنوان یکی از موارث انبیا 7 نزد حضرت مهدی 7 است همان الواح نازل شده بر حضرت موسی 7 است و آن حضرت با آن تورات اصلی در زمان ظهورش با یهودیان عصر ظهور استدلال می‌نماید.

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجه، باب ان الائمه وراثوا علم النبى و جميع الانبياء و الأوصياء)، ح ۶، ص ۳۲۷.

۶. انجیل

انجیل که در لغت به معنای بشارت است و در قرآن تعداد ۱۲ بار در سوره‌های (آل عمران آیات ۲، ۴۸، ۶۵ مائده آیات ۴۶، ۴۷، ۶۶، ۶۸، ۱۱۰ اعراف ۱۵۷، فتح ۲۹ حدید ۲۷ و سوره توبه ۱۱۱) نام انجیل ذکر شده است؛ آن، کتاب حضرت عیسی 7 است البته منظور همان انجیل حقیقی و اصل است که قرآن آن را تأیید نموده است.

در روایت از امام صادق 7 آمده که تأیید می‌نماید پیامبر اکرم 9 به‌عنوان آخرین سفیر الهی، وارث جمیع کتب انبیا : بوده و تمامی آنچه به‌عنوان میراث نبوت نزد پیامبر اکرم 9 وجود داشته، به ترتیب به ائمه : رسیده است، در نهایت این موارد از جمله کتب انبیای پیشین تماماً به دست مبارک امام مهدی 7 رسیده است.

مفضل بن عمر از شاگردان امام صادق 7 نقل می‌کند:
انَّ سُلَیْمَانَ وَرَثَ دَاوُدَ وَ اِنَّ مُحَمَّدًا وَرَثَ سُلَیْمَانَ وَ اَنَا وَرَثَا مُحَمَّدًا وَ اِنَّ عِنْدَنَا عِلْمَ التَّوْرَةِ وَ الْاِنْجِیْلِ وَ الزَّبُورِ وَ تَبِیَانُ مَا فِی الْاَلْوَا ح^۱.

همانا سلیمان از داود 7 ارث برد و محمد از سلمان ارث برد و ما از محمد ارث بردیم. علم تورات و انجیل و همه آنچه در آن الواح بود نزد ماست.

۷. قرآن

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجه باب ان الائمه ورثوا علم النبی و جمیع الانبیاء و الاوصیاء الذین من قبلهم)، ح ۳، ص ۳۲۶.

قرآن کریم که آخرین و کاملترین کتاب آسمانی است، یک بار به صورت دفعی و بار دیگر در مدت ۲۳ سال رسالت، به تدریج بر وجود مبارک پیامبر اکرم ۹ نازل شد، این کتاب ارزشمندترین و بالاترین میراث است، که وجود مبارک امام مهدی ۷ جامعه زمانش را بر اساس این کتاب می سازد و تمام احکام و قوانین این کتاب الهی به طور کامل به مرحله اجرا درمی آید.

این کتاب است که جامعه نمونه آخرالزمان بر مبنای آن ساخته می شود و انسان های آخرالزمان در جامعه مهدوی شاهد شیرین عدالتش را می چشند و تمام زوایای این کتاب الهی به منصفه ظهور می رسد؛ و هیچ سوره و آیه از این کتاب الهی معطل و زمین نمی ماند بلکه به حقیقت و روشنی کامل پیاده می گردد.

ما چون در این کتاب بنا داریم در بخش مصحف امام علی ۷ که همان قرآن همراه با تفسیر و شأن نزول آیات است و تنظیم شده توسط امیرالمؤمنین ۷ است را توضیح دهیم، لذا در اینجا فقط به یک روایت اشاره نماییم. امام باقر ۷ فرمود:

ما یستطیعُ أَحَدٌ أَنْ یَدْعیَ أَنَّ عنده جمیع القرآن کلّه ظاهره و باطنه غیر الأوصیاء.^۱

جز اوصیای پیغمبر کسی نمی تواند ادعا کند که ظاهر و باطن تمام قرآن نزد اوست.

۱. اصول کافی، ج ۲ (کتاب الحجّه، باب لم یجمع القرآن کله الا الائمه (ع))، ح ۲، ص ۳۳۲.

فصل چهارم

امام مهدی 7 وارث

ودایع انبیا :

وجود مبارک امام عصر 7 علاوه بر انبیای الهی و علم انبیا و اسم اعظم، ودایع و آثار انبیای الهی را نیز به ارث برده است؛ روایات وارده در این زمینه گواه این مطلب است و در تواریخ و قصص نیز به آنها اشاره شده که تعدادی از آنها عبارتند از:

۱. عصای موسی 7

– امام باقر 7 فرمود:

كانت عصا موسى لآدم 7 فصارت الى شعيب ثم صارت الى موسى بن عمران و أنها لعندنا و انّ عهدي بها أنفأ و هي خضراء كهيئتها حين انتزعت من شجرتها و أنها لتنطق اذا استنطعت اعدت لقائنا 7 يصنع بها ما كان يصنع موسى و انها لتروع و تلقف ما يأفكون و تصنع ما تؤوم به، انها حيث اقبلت تلقف ما يأفكون، يفتح لها شعبان، احديهما في الارض و الاخرى في السقف و بينهما اربعون ذراعاً تلقف ما يأفكون بلسانها^۱.

عصای موسی از آن آدم 7 بود که به شعیب رسید و سپس به موسی بن عمران رسید، آن عصا نزد ماست و اندکی پیش نزدم بود

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجه، باب ما عندالائمة من آیات الانبياء (ع))، ح ۱، ص ۳۳۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۱۹، ص ۳۱۸؛ و این حدیث در کتاب کمالالدین و تمام النعمه شیخ صدوق با سند دیگر آمده است.

مانند وقتی که از درختش باز شده سبز است و چون از او سؤال شود جواب گوید و برای قائم ما (حضرت مهدی ۷) آماده گشته است، او (حضرت مهدی) با آن، همان کار که موسی می کرد انجام دهد، آن عصا هراس آور است و ساخته های نیرنگی جادوگران را می بلعد و به هر چه مأمور شود انجام دهد؛ چون حمله کند هر چه به نیرنگ ساخته اند می بلعد و برایش دو شعبه باز شود که یکی در زمین و دیگری در سقف باشد و میان آنها (میان دو فکش) چهل زراع باشد و نیرنگ ساخته ها را با زبانش می بلعد چنانچه در زمان حضرت موسی ۷ سحر ساحران را بلعید.

امام صادق ۷ فرمود:

الواح موسی ۷ عندنا و عصا موسی عندنا و نحن ورثة النبیین.^۱
الواح موسی ۷ (تورات) و عصای او نزد ماست و ما وارث پیامبرانیم.

پیداست وقتی که عصای حضرت موسی ۷ و تورات دست به دست به حضرت صادق ۷ رسیده پس بعد از ایشان هم دست به دست به سایر ائمه رسیده تا الآن که به دست مبارک امام مهدی ۷ - که خداوند ظهورش را نزدیک گرداند - رسیده است.

عصای حضرت موسی چندین معجزه داشته که قرآن به آنها اشاره کرده است:

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجّه، باب ما عند الائمه من آیات الانبیاء (ع)، ح ۲، ص ۳۳۵.

۱. مار شدن عصا هنگام مبعوث شدن حضرت موسی 7 به پیامبری - در سوره قصص آیه ۳۰ می‌فرماید:

وَأَن أَلْقِي عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ
يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ.

۲. ازدها شدن عصا نزد فرعون - در سوره شعراء آیه ۳۲ می‌فرماید: فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ.

۳. بلعیدن سحر ساحران توسط عصا - در سوره شعراء آیه ۴۴ و ۴۵ می‌فرماید:

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ - فَأَلْقَى السَّحَرَةُ
سَاجِدِينَ.

۴. زدن عصا به دریا و باز شدن راه برای نجات قوم بنی اسرائیل - در سوره شعراء آیه ۶۳ می‌فرماید:

فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ
فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ.

۵. زدن عصا به سنگ و بیرون آمدن دوازده چشمه آب برای اسباط بنی اسرائیل - در سوره بقره آیه ۶۰ می‌فرماید:

وَإِذَا سَأَلَكَ مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ
مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ...

این عصا، ابتدای امر عصای حضرت آدم 7 بوده و سپس به حضرت شعیب 7 رسیده و آنگاه که موسی 7 متواری بوده و در راه دختران شعیب 7 در آب کشیدن از چاه کمک نمود، سپس به خدمت شعیب 7 درآمد آن عصا به او رسید، در تواریخ انبیا برای این عصا حوادث و وقایعی نقل نموده‌اند.

۲. حَجَر (سنگ) حضرت موسی ۷

— امام باقر ۷ فرمود:

أَنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ بِمَكَّةَ وَارَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكَوْفَةِ نَادَى مُنَادِيَهُ،
إِلَّا لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ مِنْكُمْ طَعَاماً وَلَا شَرَاباً وَيَحْمِلُ حَجْرَيْنِ عِمْرَانَ
وَهُوَ وَقَرْبَعِيرٍ فَلَا يَنْزِلُ مَنْزَلاً إِلَّا أَنْبَعَتْ عَيْنُ مَنْهُ، فَمَنْ كَانَ جَائِعاً
شَبِعَ وَمَنْ كَانَ ظَامِئاً رَوَى فَهُوَ زَادَهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجْفَ مِنْ
ظَهْرِ الْكَوْفَةِ.^۱

چون حضرت قائم در مکه قیام کند و خواهد که متوجه کوفه
شود منادیش فریاد کشد که کسی خوردنی و آشامیدنی همراه
خود بر ندارد و سنگ حضرت موسی ۷ که به وزن یک بار شتر
است با آن حضرت است در هر منزلی که فرود آیند چشمه آبی
از آن سنگ بجوشد که گرسنه را سیر و تشنه را سیراب کند و
همان سنگ توشه آنهاست تا هنگامی که در نجف به پشت کوفه
فرود آیند.

قرآن در خصوص این حجر در سوره اعراف آیه ۱۶۰

می فرماید:

أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذَا اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ يَعْصَاكَ الْحَجَرُ فَانْبَجَسَتْ
مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا.

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحج، باب ما عند الائمه من آیات الانبیاء (ع))، ح ۳،
ص ۳۳۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۴؛ حیات القلوب، علامه مجلسی، ج ۱
(قصه حضرت موسی (ع))، ص ۲۴۸.

[به موسی وحی فرستادیم که عصای خود را بر سنگ بزن تا ناکهان دوازده چشمه از آن بیرون جهید.]

امام باقر 7 درباره این آیه شریفه (وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ ...) می‌فرماید:

به‌درستی که ظهور و قیام قائم 7 در مکه خواهد بود و بعد از آن به سوی کوفه حرکت می‌کند و منادی ندا می‌دهد ای یاران امام زمان کسی از شما با خود غذا و آبی حمل نکند حضرت مهدی حَجر موسی بن عمران را با خود دارد، در هر منزلی که وارد می‌شوند از آن سنگ آبی روان خواهد شد و هر کس گرسنه و تشنه باشد از آن می‌خورد همه سیر و سیراب خواهند شد و این حالت در تمام منزلگاه‌های بین راه ادامه دارد تا از پشت کوفه وارد نجف شوند.^۱ چند نکته در خصوص حجر موسی 7 لازم است گفته شود: الف. الف و لام حَجر در این آیه (بِعَصَاكَ الْحَجَر) الف و لام معرفه است، یعنی این سنگ خاص و نه هر سنگی، به‌عنوان یکی از ودایع نبوت به‌دست امام عصر 7 رسیده است و در هنگام ظهور و قیام حضرت مهدی 7 این سنگ به‌عنوان توشه بین راه یاران آن حضرت مورد استفاده قرار می‌گیرد و احادیث مربوط مبین این موضوع است.

ب. در زمان موسی 7 چون قوم بنی‌اسرائیل ۱۲ سبط بودند (اسباط دوازده‌گانه ۱. بنی‌روئیل ۲. بنی‌شمعون ۳. بنی‌جاد ۴. بنی‌یهودا ۵. بنی‌یساکار ۶. بنی‌زبولون ۷. بنی‌یوسف ۸. بنی‌بنیامین ۹. بنی‌اشیر ۱۰. بنی‌دان ۱۱. بنی‌نفتالی ۱۲. بنی‌لاوی)، چون این

۱. تفسیر الطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۶.

۱۲ سبط با هم اختلاف داشتند، لذا ۱۲ چشمه از آن سنگ بیرون آمد تا هر گروهی چشمه آبی برای خود داشته باشند اما در هنگام ظهور و قیام حضرت مهدی 7 چون اختلاف و تفرق‌های بین یاران امام مهدی 7 نیست، لذا از آن سنگ فقط یک چشمه آب بیرون آمد و این توضیح قسمت دیگر آیه است که فرمود: **فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا**.

ج. در خصوص سنگ حضرت موسی 7 در قرآن ۲ بار از آن یاد شده است: ۱. سوره بقره آیه ۶۰ که متن کل آیه عبارت است از:

وَإِذْ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ كَلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.

و در سوره اعراف آیه ۱۶۰ می‌فرماید:

وَقَطَّعْنَاهُمْ اثْنَتَى عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أَمَّا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَمَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلَٰوَىٰ كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.

و این حجر حضرت موسی 7 به عنوان یکی از ودایع نبوت دست به دست به وسیله اوصیای بعد از موسی 7 به دست پیامبر اکرم 9 رسیده و بعد از ایشان هم به دست امام الوسی، علی 7، تا حال حاضر که نزد خاتم‌الاولصیا مولانا المهدی 7 است.

۳. تابوت الشهاده (تابوت سکینه)

امام صادق 7 فرمود:

أَنَا مِثْلُ السِّلَاحِ فِينَا مِثْلُ التَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ أَيْ أَهْلَ بَيْتٍ وَجَدَ التَّابُوتَ عَلَى بَابِهِمْ أَوْ تَوَالِيبِهِ فَمَنْ صَارَ إِلَيْهِ السِّلَاحُ مَنَا أَوْ تَى الْإِمَامَهُ^۱.

داستان سلاح در خاندان ما، داستان تابوت است در بنی اسرائیل، تابوت در هر خاندانی از بنی اسرائیل که پیدا می‌گشت، نبوت به آنها داده می‌شد، هرکس از ما هم که سلاح به دستش رسد امامت به او داده می‌شود.

نام تابوت سکینه یک بار در سوره بقره، آیه ۲۴۸ ذکر شده است که می‌فرماید:

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهَا الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ.

و پیامبرشان گفت: دلیل و نشانه بر پادشاهی او این است که تابوتی به سوی شما می‌آید که در آن سکینه و آرامشی از ناحیه پروردگارتان وجود دارد و آنچه را که آل موسی و آل هارون باقی گذاشته‌اند و آن تابوت به وسیله فرشتگان حمل می‌شود، به راستی در آن معجزه و دلیل برای شماست چنان‌که مؤمن باشید.

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجه، باب ان مثل السلاح للنبی مثل التابوت فی بنی اسرائیل)، ح ۱ و ۴، ص ۳۴۳.

تابوت سکینه با نام‌های صندوق عهد، تابوت یهودیان، تابوت مقدس، صندوق تورات، تابوت الشهاده) که این نام در دعای سمات وارد گشته که می‌فرماید:

وَرَسُولُكَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ فَوْقَ إِحْسَاسِ
الْكَرْبَيْنِ فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ فَوْقَ تَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ وَ
فِي طُورِ سَيْنَاءَ وَفِي جَبَلِ حُورَيْتَ وَ...

و تابوت بنی اسرائیل نیز ذکر شده است و طبق نوشته‌ها صندوقی بوده است که محتوای الواح سنگی احکام عشره (تورات) در آن قرار داشته است و هروقت قوم بنی اسرائیل حرکت می‌کرد، این صندوق را با حرمت فراوان در اراه‌ای نهاده و پیشاپیش خود روان می‌داشتند و در جنگ نیز آن را در پیشاپیش صفوف قرار می‌دادند تا باعث ثبات قدم و آرامش لشکریان گردد؛ این صندوق به فرمان حضرت موسی ۷ ساخته شده بود و علاوه بر آن الواح (۲ لوح سنگی)، کاسه‌ای از مَن (همان غذای آسمانی که در سوره اعراف، آیه ۱۶۰ نامش ذکر شده: وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّانَ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ...) نیز در آن قرار داده بودند.

تا اینکه فلسطینی‌ها به یهودیان تاختند و بر آنها مسلط شدند و صندوق عهد را از ایشان گرفتند. بعد از آن حضرت داود ۷ جالوت، پادشاه فلسطینی‌ها را کشت و صندوق را به یهودیان بازگرداند.

تا زمان حضرت سلیمان ۷ این صندوق در معبد قُبَّه الرُّمَّان (که قُبَّه الرُّمَّان نیز در دعای سمات ذکر شده: وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي

ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ 7 عَلَى قُبَّةِ الرُّمَانِ (...) قرار داشت.
مطالب دیگری در خصوص تابوت سکینه وارد شده است؛
مثلاً در کتاب قرب الاسناد حمیری (ص ۱۶۴ حدیثی از امام
موسی بن جعفر 7 نقل شده که حضرت درباره تفسیر سکینه)
فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ... فرمود:
این سکینه رایحه‌ای است، بهشتی که به شکل صورت انسانی از
صندوق خارج می‌شد و آن صندوق هم اینک نزد ماست.
و همین معنا نیز از حضرت رضا 7 وارد شده است.
این تابوت الشهاده نیز اکنون نزد امام مهدی 7 است، در
حدیثی پیامبر اکرم 9 فرموده است: صندوق مقدس از دریاچه
طبریه به دست وی) امام مهدی 7 آشکار می‌شود و آن را آورده
و در پیشگاه مقدس او در بیت المقدس قرار می‌دهند و چون
یهودیان آن را مشاهده می‌نمایند به جز اندکی، بقیه آنان ایمان
می‌آورند.^۱

۴. پیراهن حضرت یوسف 7

مُفَضَّلُ بْنُ عَمْرِو گويد، امام صادق 7 به من فرمود: می‌دانی
پیراهن یوسف 7 چه بود؟ عرض کردم، نه. فرمود:

ان ابراهيم عليه السلام لما او قَدْ تَ لِه النار اتاه جبريل عليه السلام بِثَوْبٍ مِنْ
ثِيَابِ الْجَنَّةِ فَالْسَبَّه اياه، فَلَمْ يَضْرُهْ مَعَه حَرٌّ وَلَا بَرْدٌ فَلَمَّا حَضَرَ
ابراهيم الموتُ جعله فِى تَمِيمَةٍ وَ عَلَّقَهُ عَلَى اسْحَاقَ وَ عَلَّقَهُ

۱. الملاحم و الفتن، ص ۵۷؛ منتخب الاثر (آیت‌الله صافی گلپایگانی)، ص ۳۰۹.

اسحاق علی یعقوب فلما ولد یوسف ﴿٢٤٦﴾ علّقه علیه فکان فی عضده حتی کان من امره ما کان فلما اخرجه یوسف بمصر من التمیمه وجد یعقوب ریحہ و هو یقول: اَنْیَی لَأَجِدُ رِیحَ یوسفُ لَوْ لَا اَنْ تُفْنَدُونَ. فهو ذلك القمیص الذي انزلهُ الله من الجنة، قلت: جعلت فداک، فالی مَنْ صار ذلك القمیص؟ قال: الی اهله، ثم قال: کل نبی ورث علماً او غیره فقد اُنْتهی الی آلِ مُحَمَّدٍ ﴿٢٤٧﴾.

چون برای ابراهیم 7 آتش افروختند، جبریل 7 جامه‌ای از جامه‌های بهشت برایش آورد، او پوشید و با آن جامه گرما و سرما به ابراهیم زبانی نمی‌رسانید. چون مرگ ابراهیم رسید، آن را در غلافی نهاد و به اسحاق آویخت و اسحاق آن را به یعقوب آویخت و چون یوسف 7 متولد شد آن را به او آویخت و در بازوی او بود تا امرش به آنجا رسید (زمام حکومت مصر را به دست گرفت)؛ چون یوسف آن را در مصر از غلاف بیرون آورد، یعقوب بوی خوش آن را دریافت و همین است که گفت: اگر نادانم نمی‌خوانید من بوی یوسف را احساس می‌کنم. (سوره یوسف - آیه 94) و آن همان پیراهنی بود که خدا از بهشت فرستاده بود.

عرض کردم: قربانت گردم، آن پیراهن به چه کسی رسید؟ فرمود:

به اهلس رسید و هنگامی که قائم ما (امام مهدی 7) ظهور کند، با او خواهد بود، سپس فرمود: هر پیغمبری که دانش یا چیز

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجه، باب ما عندالائمه من آیات الانبیاء (ع))، ح ۵، ص ۳۳۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲، (باب سیره و اخلاقه و خصائص زمانه)، ح ۵، ص ۳۲۷؛ حیوة القلوب، ج ۱، ص ۱۸۴.

دیگری را به ارث گذاشته به آل محمد 9 رسیده است.
همان طور که در این حدیث طولانی آمده است، امام
صادق 7 حقیقت این پیراهن را بیان فرموده که از کجا آمده و
در نهایت به دست اهل بیت : رسیده است. و این پیراهن از
جمله موارث انبیا : به شمار می آید.
همین یک حدیث در توضیح پیراهن حضرت یوسف 7 ما
را کفایت می کند، و این پیراهن هم اکنون نزد حضرت حجت بن
الحسن العسکری 7 است.

٥. طشت حضرت موسی 7، انگشتر حضرت سلیمان 7 شمشیر، پرچم و زره پیامبر اکرم 9

تعدادی دیگر از موارث انبیا : نیز وجود دارند که آنها هم
هر کدام بنابر حکمت و مصلحتی، نزد امام مهدی 7 موجود
می باشند؛ برای روشن شدن مطلب به ذکر یک حدیث مفصل
اکتفا می کنیم. البته آنچه در کتب تاریخ انبیا و غیره ذکر شده
است، به سندیت و اعتبار این حدیث نمی رسند و آنها نیز برای
اعتبار بخشیدن به تواریخ آن به این احادیث استناد می نمایند.
متن بخشی از حدیثی که از امام صادق 7 نقل شده، به شرح
ذیل است:

... و ان عندی لَسَیْفُ رَسولِ اللهِ ﷺ و اَنْ عِنْدی لِرَایهِ رَسولِ
الله ﷺ و درعه و لامته و معضره و ان عندی لِرَایهِ رَسولِ اللهِ ﷺ
المُظْبِه و ان عندی الواح موسی و عصاه و ان عندی لَخَاتِمِ

سلیمان بن داود و ان عندی الطشت الذی کان موسی یقرب به
 القربان و ان عندی الاسم الذی کان رسول الله ﷺ اذا و صغه
 بین المسلمین و المشرکین لَمْ یَصِلْ من المشرکین الی المسلمین
 نشانه و انّ عندی لمثل الذی جاءت به الملائکه و مثل السّلاح
 فینا کمثل التابوت فی بنی اسرائیل کانت بنو اسرائیل فی ای
 اهل بیت وجد التابوت علی ابوابهم اوتوا النبوه و مَنْ صار الیه
 السّلاح مَتَا أَوْتِیَ الْأَمَامَةُ و لقد لَبَسَ ابی دَرَجَ رسول الله ﷺ
 فَخَطَّتْ علی الارض خطیطاً و لَبِیْتُهَا أَنَا فَکانت و کانت و قائمنا
 مَنْ اِذَا لَبِیْتُهَا مَلَاها ان شاء الله.^۱

همانا شمشیر رسول خدا ﴿﴾، پرچم و جوشن وزره و خود
 پیامبر ﴿﴾، پرچم ظفر بخش پیامبر ﴿﴾، الواح موسی و عصای او،
 انگشتر سلمان بن داود، طشتی که موسی 7 قربانی را در آن انجام
 داد، اسمی که نزد پیامبر ﴿﴾ بود و چون آن را میان مسلمانان و
 کفار می گذاشت که از مشرکین به مسلمین نشانه ای نرسد و من آن
 را می دانم و هر آنچه را که فرشتگان آورده اند نزد من است، داستان
 سلاح در خاندان ما همان داستان تابوت است در بنی اسرائیل، و
 بر در هر خانه ای که تابوت پیدا می شد، نشانه ای نرسد و من آن را
 می دانم و هر آنچه را که فرشتگان آورده اند نزد من است، داستان
 سلاح در خاندان ما همان داستان تابوت است در بنی اسرائیل، و
 بر در هر خانه ای که تابوت پیدا می شد، نشانه اعطای نبوت بود و

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجه، باب: عندالائمة من سلاح رسول الله (ص) و
 متاعه)، ح ۱، ص ۳۳۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲ (باب سیره و اخلاقه و خصائص
 زمانه)، ح ۱۲۹، ص ۳۶۰.

امام مهدی 7 و میراث سلف صالح ﷺ ۴۳

سلاح به هرکس از خانواده ما رسد امامت به او داده می‌شود. همانا پدرم، امام باقر 7، زره رسول خدا ﷺ را پوشید، دامنش اندکی به زمین می‌کشید و من آن را پوشیدم همچنان بود؛ قائم ما، امام مهدی 7، کسی است که چون آن را پوشد به اندازه قامتش باشد ان شاء الله

این حدیث به‌طور صریح بخشی از ودایع نبوت و موارث انبیای الهی : را ذکر کرده است و تصریح نموده که همه آنها به دست ائمه رسیده و در نهایت نیز به خدمت امام عصر، حضرت مهدی 7 می‌رسد.

در حدیث دیگر که مرحوم مجلسی آن را در بحارالانوار از امام محمد باقر 7 نقل نموده و این حدیث در کتاب الغیبه نعمانی نیز ذکر شده، روایت می‌کند.

در الغیبه نعمانی از عبدالله بن سنان روایت نموده که امام محمد باقر 7 فرمود:

ابی الله إلا أن یخلف وقت الموقتین و هی رایه رسول الله ﷺ نزل بها جبریل یوم بدر سیر به. ثم قال: یا أبا محمد، ما هی و الله من قُطن و لا کُتّان و لا حریر. فقلت: من ای شیء هی؟ قال: من ورق الجنه، نشرها رسول الله ﷺ یوم بدر ثُمَّ لَفَّهَا وَ دَفَعَهَا الی علیؑ فَلَمْ نَزَلْ عِنْدَ عَلِیٍّؑ حَتّٰی کَانَ یَوْمَ الْبَصَرِ فَنَشَرَهَا امیر المؤمنینؑ فَفَتَحَ اللهُ عَلَیْهِ ثُمَّ لَفَّهَا - هی عندنا هناك لا ینشرها احدٌ حتی یقوم القائمؑ. فلما قام نشرها فلم ینقُ فی المشرق و المغرب احد الا لعنها و یسیر الرُّعبُ قُدَّامَها شَهْرًا و عن یمینِها شَهْرًا و عن یسارِها شَهْرًا، ثُمَّ قال: یا أبا محمد انّه

یخرج مُتَوَرّاً غَضَبَانِی اُسْفاً لَغَضَبِ اللّٰهِ عَلٰی هٰذَا الْخَلْقِ؛ علیه قمیص رسول الله ﷺ الذی کان علیه یوم احد و عمامه السحاب و درع رسول الله السابغه و سیف رسول الله ﷺ ذوالفقار یجرّد السیف علی عاتقه ثمانیه اشهر یقتل هرجائه^۱.

خداوند بر خلاف وقتی که تعیین کنندگان وقت ظهور امام مهدی 7 معین کرده‌اند، عمل می‌کند؛ پرچم قائم، همان پرچم رسول خداست که جبریل در روز جنگ بدر از آسمان آورد و آن را در میان جنگ به اهتزاز در آورد، آنگاه جبریل در روز جنگ بدر از آسمان آورد و آن را در میان جنگ به اهتزاز در آورد، آنگاه جبریل عرض کرد: ای محمد، به خدا قسم این پرچم، از پنبه و کتان و ابریشم و حریر نیست. پیامبر فرمود: پس از چیست؟ گفت: برگ درخت بهشت است. پیغمبر آن را در جنگ برافراشت، سپس پیچید و به دست علی 7 داد و پیوسته نزد آن حضرت بود تا اینکه در روز جنگ بصره (جمل) حضرت آن را برافراشته نمود و خدا او را پیروز گردانید؛ آنگاه علی 7 آن را پیچید و همیشه نزد ما بوده و هست و دیگر هیچکس آن را نمی‌گشاید تا اینکه قائم ما 7 قیام کند. وقتی قائم قیام نمود، آن را به اهتزاز درمی‌آورد و هرکس در شرق و غرب عالم باشد آن را می‌بیند؛ رعب و ترس از وی یک ماه زودتر. از پیش روی و چپ و راست او رفته و در دلها جای می‌گیرد. آنگاه گفت: ای محمد او به خونخواهی پدرانش قیام می‌کند و سخت خشمگین است و از

۱. اصول کافی، ج ۳ (کتاب مولد النبی(ص) و وفاته)، ح ۱۸، ص ۲۷۴.

اینکه خداوند بر این خلق غضب نموده متأسف است. او پیراهن پیامبر 9 را که در جنگ احد پوشیده بود، به تن دارد و عمامه و زره پیغمبر را که به قامت وی، رسالت می پوشد و ذوالفقار، شمشیر پیغمبر را در دست دارد، سپس شمشیر برمی کشید و هشت ماه از کشته های بی دینان، پشته ها می سازد ...

دو روایت مذکور دقیقاً روشن می نماید که تمامی موارد انبیای الهی در نهایت به دست با کفایت جان جهان امام مهدی 7 می رسد.

و حدیث ذیل اثبات می کند که تمامی ودایع و وصایای انبیای الهی 7 توسط حضرت ابوطالب 7 به دست پیامبر اکرم 9 رسیده است.

درست بن ابی منصور گفت: از ابوالحسن اول (امام هفتم 7) پرسیدم: آیا رسول خدا 9 مأمور پیروی از ابوطالب 7 بود؟ و ابوطالب از طرف خدا بر او حجت بود؟

لا، وَلَكِنَّهُ كَانَ مُسْتَوْدِعاً لِلْوَصَايَا فَدَفَعَهَا إِلَيْهِ ﷺ قَالَ: قُلْتُ: فَدَفَعَ إِلَيْهِ الْوَصَايَا عَلَيَّ أَنَّهُ مُحْجُوجٌ بِهِ؟ فَقَالَ: لَوْ كَانَ مُحْجُوجاً بِهِ مَا دَفَعَ إِلَيْهِ الْوَصِيَّةَ، فَقُلْتُ: فَمَا كَانَ حَالُ أَبِي طَالِبٍ؟ قَالَ: أَقْرَبُ بِالنَّبِيِّ وَبِمَا جَاءَ بِهِ وَدَفَعَ إِلَيْهِ الْوَصَايَا وَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ.

نه، ولی ابوطالب نگهدار ودائع نبوت بود و وصایا نزد وی سپرده شده، و او آنها را به آن حضرت 9 داد. گفتم وصایا را به او داد به حساب اینکه حجت بر او (پیغمبر) بود؟ فرمود: اگر حجت بر او بود وصیت را به او نمی داد. گفتم: پس ابوطالب حالش چگونه

۴۶ ﴿٢٠٠﴾ امام مهدی ۷ و میراث سلف صالح

بود؟ فرمود:

به پیغمبر و هر چه آورده بود اقرار کرد و وصایا را به او داد و همان روز درگذشت.

فصل پنجم

امام مهدی ۷ وارث و دایع امامت

وجود مبارک امام عصر 7 علاوه بر اینکه وارث مواریث و ودایع نبوت است، وارث ائمه سلف خود نیز است، آنچه این حقیر در این بخش بررسی نموده‌ام شامل: ١. کتاب جامعه علی 7 ٢. مصحف علی 7 است که در اینجا آنها را بررسی می‌نماییم.

١. کتاب جامعه علی 7

در خصوص این کتاب احادیث فراوانی وارد شده است که ما هم سعی می‌کنیم بر اساس همین احادیث روشن نماییم که این کتاب شریف (که جامعه نام دارد) چه بوده است و چه مطالبی در آن کتاب وجود دارد و اکنون کجاست؟

از ابوبصیر (که جمله اصحاب امام باقر و امام صادق ، بوده) روایتی نقل شده که متن آن را می‌آوریم:

- ابوبصیر گفته است: خدمت امام صادق 7 رسیدم و گفتم: فدایت شوم سؤالی دارم، آیا اینجا کسی هست که سخنان مرا بشنود؟ امام صادق 7 پرده‌ای را که بین آن اتاق و اتاق مجاور آویخته شده بود کناری زد و در آنجا سرکشید و سپس به من فرمود: ای ابو محمد (کنیه ابوبصیر) هر چه می‌خواهی بپرس.

گفتم: فدایت شوم، شیعیان تو طی احادیثی مدعی هستند که رسول خدا 9 بابتی از علم به روی علی 7 گشوده که از آن هزار باب دیگر گشوده می‌شود. امام 7 فرمود:

ای ابو محمد، ما جامعه داریم و آنها چه می‌دانند که جامعه چیست؟
پرسیدم: فدای تو گردم جامعه چیست؟
امام ۷ فرمود:

صحیفه‌ای است به درازای هفتاد ذراع به ذراع رسول خدا ۹ و
املائی آن حضرت که همه مطالب آن یک به یک، از دو لب مبارک
ایشان بیرون آمد و علی ۷ آن را به خط خود نوشته است و در
آن صحیفه از هر حلالی و حرامی و از هر آنچه که مردم به آن نیاز
داشته و دارند، سخن رفته است؛ حتی دیه یک خراش سطحی بر
پوست بدن.^۱

در حقیقت پیامبر اکرم ۹ مجموعه احکام اسلام را بر
امیرالمؤمنین ۷ املا فرموده و آن حضرت نیز آن را به صورت
کتابی به نام جامعه گردآوری نموده است، و این مجموعه
گرانقدر به ترتیب نزد ائمه : بوده و آن بزرگواران گاه‌گاهی آن
را بر مردم عرضه می‌داشتند.

حدیث دیگری را نیز در این خصوص نقل می‌نمایم. امام
صادق ۷ فرمود:

همانا نزد ما نوشتجاتی است که با وجود آنها نیازی به مردم نداریم
ولی مردم به ما احتیاج دارند، نزد ما کتابیست به املائی پیامبر ۹
و خط علی ۷ که هر حلال و حرامی در آن است، شما راجع به
کاری نزد ما می‌آیید سپس ما می‌فهمیم که شما به آن عمل می‌کنید
یا آن را ترک می‌نمایید.^۲

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۹؛ بصائر الدرجات، ص ۱۵۱؛ وافی، ج ۲، ص ۱۳۵.
۲. همان.

امام مهدی 7 و میراث سلف صالح ﷺ ۵۱

در منابع اهل سنت به این مطلب اشاره شده که علی 7 همه روز صبح و شام، برای تعلیم گرفتن قرآن و آنچه نازل شده بود، به خدمت پیامبر 9 می‌رسید؛ ابن‌ماجه از علی 7 روایت کرده که ایشان فرمود:

من سحرگاهان هر روز به خدمت پیامبر 9 می‌رسیدم و از پشت در می‌گفتم: السّلام علیک یا نبی‌الله، و اگر آن حضرت آهسته و آرام سرفه می‌کرد، به خانه بازمی‌گشتم و گرنه داخل می‌شدم.^۱
در این ملاقات‌ها پیامبر به علی 7 دستور نوشتن می‌داد، و می‌فرمود:

آنچه را به تو می‌گویم بنویس. و علی 7 سؤال کرد: ای رسول خدا، از آن می‌ترسی که فراموش کنم؟ پیامبر فرمود: نه، از خدا خواسته‌ام حافظه‌ات را نیرو بخشد و تو را دچار فراموشی نگرداند، آن را برای شریکانت یعنی امامان بعد از خودت بنویس؛ [و با اشاره به امامت امام حسن 7 فرمودند:] این نخستین آنان است و فرمود: امامان از فرزندان حسین 7 هستند.^۲

ابوحمزه ثمالی می‌گوید: به حضرت علی‌بن‌الحسین 7 عرض کردم: فدایت شوم، آنچه در نزد پیامبر اکرم 9 بود، به امیرالمؤمنین 7 عنایت شد، بعد از امیرالمؤمنین 7 به امام حسن 7، سپس به امام حسین 7 و بعد به هر امام تا روز قیامت؟ امام فرمودند:

۱. سنن ابن‌ماجه (باب استیذان)، کتاب الأدب و مسند احمد، ج ۱، ص ۵۸ و ۱۰۷.

۲. أمالی، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۶؛ بصائر الدرجات، ص ۱۶۷؛ منابع المودة، ابراهیم‌بن‌الحنفی القندوزی، ص ۲۰.

صحیح است و به اضافه پیشامدهایی که هر سال رخ می‌دهد و در هر ماه و آری، به خدا قسم در هر ساعت.^۱

پس تا کنون روشن ساختیم که کتاب جامعه، تمام احکام حتی حکم خراش بر بدن را شامل می‌شود، و این کتاب به املائی پیامبر ۹ و به خط علی ۷، جمع‌آوری و تدوین شده است و مورد استفاده ائمه : بوده است، امامان بعد از امیرالمؤمنین، علی ۷، جامعه را پس از سپری شدن امامت خویش، به امام پس از خود به ودیعت می‌سپردند؛ حال به چند حدیث در این زمینه اشاره می‌نماییم تا چگونگی انتقال این کتاب و سایر موارد از علی ۷ به سایر ائمه روشن شود.

ثقه الاسلام کلینی در کتاب اصول کافی از قول سلیم بن قیس هلالی (از جمله اصحاب علی ۷ که تا امام سجّاد ۷ را درک نموده است) چنین آورده است:

من شاهد وصیت امیرالمؤمنین علی ۷، به فرزندش، حسن ۷ بودم، آن حضرت پس از انجام وصیت، حسین ۷ و محمد حنیفه و همه پسرها و بزرگان شیعه و خانواده‌هایش را بر آن وصیت‌گواه گرفت و آنگاه کتاب و سلاح خود را به فرزندش، حسن ۷ تحویل داد و گفت: پسر من، رسول خدا به من امر فرموده که تو را وصی خود گردانم و کتاب‌ها و اسلحه‌ام را به تو تحویل دهم، همان‌طور که رسول خدا ۹ مرا وصی خود قرار داد و کتاب‌ها و اسلحه‌اش را به من سپرد و نیز فرمان داده تا به تو دستور دهم که چون مرگت

۱. بحارالأنوار، ج ۲۶، ص ۹۱، ح ۱۴؛ بصائر الدرجات، ص ۱۶؛ الاختصاص، شیخ مفید، ص ۳۱۴.

فرارسد، آنها را به برادرت، حسین تحویل دهی.

سپس امیرالمؤمنین 7 روی به جانب حسین 7 کرد و به او فرمود: رسول خدا 9 تو را نیز فرمان داده که آنها را به این پسر خویش، علی بن الحسین 7، تحویل دهی. سپس دست علی بن الحسین 7 را گرفت و فرمود: و رسول خدا تو را نیز فرمان داده تا آنها را به پسر، محمد تحویل دهی و از جانب رسول خدا 9 و من، به او سلام برسان.^۱

ملاحظه می گردد که تمامی موارث انبیا به وسیله پیامبر 9 تحویل علی 7 می شود و به وسیله علی 7 تمامی آن موارث و کتاب جامعه خودش، تحویل امام حسن 7 و امام بعدی تا امام باقر 7 می شود و این حدیث روشن می سازد که موارث انبیای الهی : و امام علی به 7 دست امام محمدباقر 7 رسیده است. در حدیث دیگری چگونگی انتقال موارث من جمله کتاب جامعه از امام حسین 7 به امام سجاد 7 روشن می شود؛ در کتاب کافی و بصائر الدرجات آمده است که حمران بن اعین شیبانی می گوید: از ابو جعفر (امام محمدباقر 7) در مورد صحیفه مهر و موم شده ای که نزد ام سلمه به ودیعت نهاده شده بود و مردم درباره آن سخن می گفتند سؤال نمودم و امام باقر 7 فرمود:

رسول خدا 9 را چون اجل فرارسید، علی 7 علم و اسلحه آن حضرت و هر چه را نزد او بود به ارث برد، این علوم و معارف و سلاح و کتاب جامعه و مصحف همچنان نزد امیرالمؤمنین 7 بود

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۹۷؛ واف، ج ۲، ص ۷۹.

تا اینکه به امام حسن ۷ و پس از او به امام حسین ۷ رسید؛ در این موقع چون ما از غلبه دشمنان بیم داشتیم، این بود که آنها را (جدم حسین ۷ نزد ام سلمه به امانت سپرد و بعد از آن علی بن الحسین ۷ آنها را از ام سلمه ستاند.

من (حمران بن اعین) گفتم: بسیار خوب، سپس به پدرت رسید و بعد از آن نزد تو بوده و به تو رسیده است؟ امام باقر ۷ فرمود: آری، همین طور است.^۱ و نیز شیخ طوسی به روایت از فضیل بن یسار چنین آورده است:

ابوجعفر ۷ به من فرمود:

در همان هنگام که حسین ۷ عازم حرکت به سوی عراق (کربلا) بود، وصیت نامه پیغمبر و کتابها و دیگر اشیا، (مواریث انبیا و امامت) را به امانت نزد ام سلمه گذاشت و به او فرمود: وقتی که پسر بزرگترم به تو مراجعه کرد، آنچه را که به تو به امانت سپرده ام به او تسلیم کن. پس از اینکه حسین ۷ به شهادت رسید، علی بن الحسین ۷ نزد ام سلمه رفت و آن بانو هم تمامی امانت‌هایی را که حسین ۷ به امانت نزدش نهاده بود به امام سجاد ۷ تحویل داد.^۲ همین داستان در بعضی دیگر از منابع حدیثی وارد گردیده است که برای جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آنها خودداری می‌نمایم؛ فقط یک نکته قابل ذکر است و آن، اینکه حضرت امام

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۵؛ بصائر الدرجات، صص ۱۷۷ و ۱۸۶ و ۱۸۸؛ واف، ج ۲، ص ۱۳۲.

۲. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۲۸؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۴۶، ح ۳، ص ۱۸.

حسین 7 در کربلا یک وصیت‌نامه دیگری دارد که نزد دخترش فاطمه سپرده و او هم بعدها آن را به علی‌بن الحسین 7 تحویل داد و آن غیر از این موارد بوده است.

اکنون که سلسله موارد انبیای الهی و امامت تا امام باقر علیه السلام روشن گشت، به نقل دو روایت دیگر که نحوه انتقال این موارد از امام سجّاد 7 به امام باقر 7 را روشن می‌سازد. اشاره می‌نماییم.

در حدیثی از عیسی‌بن عبدالله روایت شده که:
در بستر مرگ امام سجّاد 7، آن حضرت به فرزندان که پیرامون او گردآمده بودند نظری افکند و سپس چشم به فرزندش، محمدبن علی 7، (امام باقر 7) انداخت و به او فرمود: محمد، این صندوق را بگیر و به خانه خود ببر. سپس امام به سخن خود ادامه داد، فرمود:

در این صندوق به هیچ عنوان دینار و درهمی وجود ندارد، بلکه آکنده از علوم است.^۱

عیسی‌بن عبدالله بن عمر در بصائر الدرجات و بحارالانوار از امام صادق 7 روایت کرده است:

پیش از آنکه علی‌بن الحسین 7 بدرود حیات گوید سبد یا صندوق را حاضر کرده و فرزندش فرمود: محمد، این صندوق را ببر؛ او نیز صندوق را توسط چهار نفر حمل نمود و برد.

چون امام سجّاد 7 درگذشت، عموهایم برای گرفتن سهم خود از

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۵؛ اعلام الوری به اعلام الهدی، ص ۲۶۰؛ بصائر الدرجات، ص ۲۴؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۹؛ وافی، ج ۲، ص ۸۳.

محتویات آن صندوق به پدرم مراجعه کرده و گفتند: بهره ما را از آن صندوق بپرداز.

امام باقر ۷ در پاسخ آنها فرمود: به خدا قسم که شما را نصیبی از آن نیست، اگر شما را بهره‌ای در آن می‌بود، آن را (پدرم) به من تحویل نمی‌داد. در آن صندوق سلاح رسول خدا ۹ و کتاب‌های او قرار داشت.^۱

پس از امام باقر ۷ تمامی موارث انبیا و امامت به امام صادق ۷ منتقل گردید؛ به حدیثی در این زمینه توجه فرمایید. از زُرّار بن اعین شیبانی در بصائر الدرجات روایت شده که امام صادق ۷ فرمود: هنوز امام باقر ۷ حیات داشت که آن موارث و کتاب‌ها به من منتقل گردید.^۲

این روایت نیز مشخص می‌سازد، موارث که کتاب جامعه علی ۷ نیز شامل آن می‌شود؛ در زمان حیات امام باقر ۷ به فرزند گرامی‌اش، امام صادق ۷، منتقل گردیده است. در کتاب‌های دیگر در مورد سایر ائمه بعد از امام صادق ۷، نیز روایاتی وارد گردیده است.^۳

در پایان این مبحث به مواردی از رجوع امامان مکتب اهل بیت : به کتاب جامعه علی ۷ می‌پردازیم. از ابان بن تغلب بن رباح روایت شده که گفت:

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۵؛ وافی، ج ۲، ص ۸۲؛ بصائر الدرجات، ص ۱۶۵؛ اعلام الوری، ص ۲۶۰؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۹.
 ۲. بصائر الدرجات، صص ۱۵۸، ۱۸۰، ۱۸۱ و ۱۸۶.
 ۳. الغیبة نعمانی، ص ۱۷۷؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۲، ح ۳۳؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۱؛ الارشاد، شیخ مفید؛ بصائر الدرجات، ص ۱۶۴، ح ۷ تا ۹.

از علی بن الحسین 7 در مورد کسی سؤال شد که درباره مقداری از مال خود وصیت کرده است) به طور مبهم وصیت کرده که مقداری از مال او را به فلان مصرف برسانید، اما مقدار آن را مشخص نکرده و عباراتی مانند شیء من مالی بکار برده است).
حضرت سجّاد 7 در پاسخ فرمود: شیء در کتاب علی 7 یک ششم محسوب می شود.^۱
نجاشی روایت کرده است که:

عذافر بن عیسی خزاعی صیرفی در معیت حکم بن عتیبه کوفی به خدمت امام باقر 7 رسیدند، حکم آغاز سخن کرد و مسائلی را مطرح ساخت و امام با اینکه دیدار حکم را خوش نداشت، او را پاسخ می داد تا اینکه در مسئله ای بینشان اختلاف نظر افتاد) حکم پاسخ امام را نپذیرفت؛ در این هنگام امام باقر 7 روی به فرزند خود کرده، فرمود: پسر، برخیز و آن کتاب علی 7 را بیاور؛ فرزند امام فرمان برد و کتابی بزرگ که طوماروار روی هم پیچیده شده بود، پیش روی آن حضرت نهاد؛ امام آن را گشود و به جستجوی مسأله مورد بحث پرداخت تا آن را بیافت و سپس فرمود: این املائی رسول خدا ﷺ و خط علی 7 است.^۲

در ادامه همین حدیث حضرت فرمود:
به هر طرف که می خواهید، به شرق و به غرب بروید که به خدا سوگند، علمی از این مطمئن تر که نزد خانواده ماست و جبریل بر

۱. اصول کافی، ج ۷، ص ۴۰، ح ۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۵۱؛ معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۲۱۷؛ التّهذیب، ج ۹، ص ۲۱۱، ح ۸۳۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۴۵۰، ح ۱.
۲. رجال نجاشی، ص ۲۷۹.

ما فرود آورده، نزد هیچکس دیگر نخواهد یافت.
بارها استفاده ائمه از کتاب جامعه علی ۷ و پاسخ دادن به
سؤالات، در منابع معتبر شیعه آورده شده که ما در اینجا مواردی
از آنها را ذکر می‌نماییم:

کتاب الطهارة

عن زرارة، عن ابی عبد الله عليه السلام قال فی کتاب علی عليه السلام : انَّ الهِرَّ
سَبْعٌ و لا بَأْسَ بِسُورِهِ و اِنِّی لَأَسْتَحِی مِنَ الله اَنْ اَدْعَ طَعَاماً لِانَّ
الهَرَ اَكَلَ مِنْهُ.^۱

کتاب الزکوة

عَنْ أَبِي حمزة، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا مُنِعَتِ الزَّكَاةُ، مُنِعَتِ الْأَرْضُ بِرَكَاتِهَا.^۲

کتاب الحدود

عَنْ بَرِيدِ بْنِ معاوية قَالَ: أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ فِي كِتَابِ
عَلِيِّ عليه السلام يُضْرَبُ شَارِبُ الْخَمْرِ ثَمَانِينَ و شَارِبُ النَّبِيذِ ثَمَانِينَ.^۳

کتاب الديات

عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ أَعِين، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: فِي كِتَابِ

۱. وسائل الشیعه، ج ۱ (کتاب الطهارة، باب السُّور السُّفُور).

۲. وسائل الشیعه (کتاب الزکوة، باب تحریم منع الزکوة).

۳. وسائل الشیعه، ج ۳ (کتاب الحدود، باب ثبوت الحد علی من شرب الخمر).

عَلَى دِيْهِ كَلْبُ الصَّيْدِ اَرْبَعُونَ دِرْهَمًا.^۱

در روایتی امام صادق 7 فرموده‌اند:

حدیث من، حدیث پدرم است و حدیث پدرم، حدیث جدم
و حدیث جدم همان حدیث حسین است و حدیث حسین،
حدیث حسن و حدیث حسن، حدیث امیرالمؤمنین و حدیث
امیرالمؤمنین، حدیث رسول خدا 9 و حدیث رسول خدا 9،
سخن خدای عز و جل است.^۲

۲. مُصْحَفِ امیرالمؤمنین، علی 7

درباره مصحف امیرالمؤمنین، علی 7 ابتدا خود کلمه مُصْحَف
و معنای دقیق آن را بررسی می‌نماییم.

معنای مصحف

در زبان عربی به چیزی که در آن می‌نویسند صحیفه و جمع
آن را صحائف و صُحُف و صُحُف می‌گویند^۳ و مصحف را
مجموعه میان دو جلد می‌گویند، بنابراین مصحف نام کتاب
جلد شده است، چه قرآن باشد و چه غیر قرآن) مانند مصحف
حضرت زهرا 7 که غیر از قرآن است و کلمه‌ای از قرآن در آن
نیست.

۱. وسائل الشیعه، ج ۳ (کتاب الدیات، باب مسأله ديه من الكلاب).

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳؛ الارشاد، شیخ مفید، ص ۲۵۷.

۳. لسان العرب و مفردات راغب، ماده صحف.

اما مصحف علی ۷ چیست؟

پس از اینکه معلوم شد مصحف یعنی نوشته‌ای بین دو جلد و اینکه مصحف می‌تواند قرآن باشد و با غیر از قرآن، حالا باید عرض شود که آنچه معروف به مصحف علی ۷ است، همان قرآنست که آن حضرت جمع و تدوین نموده بود و آن قرآن دارای ویژگی تفسیر و شأن نزول آیات بوده و به همان ترتیب که پیامبر ۹ دستور داده بودند، سوره‌ها را مرتب نموده است؛ علی ۷ آن قرآن را پس از رحلت پیامبر ۹ به حکومت خلفا عرضه داشت، اما خلفا به دلیل آنکه آن قرآن همراه تفسیر و شأن نزول آیات بوده و برخی از آیات قرآن کریم در نکوهش بزرگان قریش و کسانی نازل شده بود که با رسول خدا ۹ می‌جنگیدند و بخشی نیز در نکوهش قبایل برخی از صحابه قریشی و خویشاوندان خلفا نازل شده و آنها را مذمت کرده بود، لذا خلفای آن مصحف علی ۷ را قبول نکردند.

در اینجا برخی از آیات که شأن نزول آنها برای حکومت خلفا خوشایند نبود، می‌آوریم:

۱. وَالشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ فِي الْقُرْآنِ (اسراء / ۶۰) و آن درخت نفرین شده در قرآن؛ که شأن نزول آن درباره بنی‌امیه و یا افرادی از صحابه پیامبر ۹ است.

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا

قَوْمَ اللَّهِ (حجرات / ۶)

این آیه در شأن فاسقی از بنی‌امیه به نام ولیدبن عقبه نازل شده و این ولید برادر مادر عثمان‌بن عفان خلیفه سوم است

که در زمان عثمان مدتی والی کوفه بود. داستان شراب‌خواری و خواندن نماز چهار رکعتی در صبح در مسجد کوفه و سایر مفاسدش در تاریخ ثبت شده است.

۳. اِنْ تَوْبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ قُلُوبُكُمَا وَاِنْ تَطَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ * عَسَىٰ رَبُّهُ اِنْ طَلَّقُكَ اَنْ يُبَدِّلَهُ اَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَ مُّسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ سَائِحَاتٍ ثِيَّابٍ وَاُبْكَارًا (۵) (تحریم/ ۴ و ۵)

اگر شما دو زن به سوی خدا بازگردید که دل‌های شما منحرف گردیده (به سود شماست) و اگر بر علیه او (پیامبر) متحد شوید، بدانید که خدا خود یار و مددکار او بوده و جبریل و صالح مؤمنان و فرشتگان بعد از آن پشتیبانی او خواهند بود * ای بسا که اگر شما را طلاق گوید، خداوند زنانی بهتر از شما نصیب او کند، زنانی مسلمان و مؤمن و تسلیم و تائب و عابد و هجرت‌کننده غیر دوشیزه و دوشیزه.

هر دو آیه درباره عایشه بنت ابی‌بکر و حفصه بنت عمر نازل شده که هر دو از زنان پیامبر بوده و هر دو هم دختران خلیفه اول و دوم بودند که بر علیه پیامبر توطئه نموده بودند. و همچنین آیاتی در قرآن آمده که شأن نزول آنها در مدح و ستایش اهل بیت 7 نازل شده و این آیات خوشایند و مکتب خلفا و حکومت غاصبانه آنها نبود و نمی‌خواستند با تفسیر و شأن نزول آن آیات، حکومتشان متزلزل شود؛ مانند:

۱. اِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ

تَطْهِيراً. (احزاب / ۳۳)

خداوند تنها اراده کرده تا رجس و پلیدی را از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

این آیه در شأن پیامبر 9، علی 7، فاطمه 3، حسن 7، حسین 7 و به تبع آنها در شأن سایر ائمه : نیز نازل شده است.

۲. وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ رُوُفُ بِالْعِبَاد. (بقره / ۲۰۷)

و از مردم است آنکه بفروشد نفس و جان خود را در راه رضایت خدا و خداوند به بندگان مهربان است.

این آیه در شأن علی 7 نازل شده، آنگاه که آن حضرت در شب اول ربیع الاول سال ۱۳ بعثت در بستر پیامبر 9 خوابید و آن شب، پیامبر 9 توانست از مکه به مدینه هجرت نماید و به شب لیلة المَبِیت مشهور است.

آیات دیگری در ستایش و معرفی اهل بیت : (مانند سوره آل عمران آیه ۶۱ که به آیه مباهله شهرت دارد) در قرآن وجود دارد، اما تنها به ذکر این ۲ آیه اکتفا نمودیم.

لذا چون شأن نزول این آیات و غیر آنها در مصحف علی 7 به املاي رسول الله 9 و خط علی 7 آمده بود، این با سیاست خلفا سازگار نبود و آنها هم شعار حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ را اعلام نمودند (تنها قرآن ما را بس است) و قرآن را از حدیث پیامبر 9 جدا ساختند، قرآن، تعلیم و تدریس و بیان و نسخه برداری شد اما فقط لفظ قرآن بود، بدون تفسیر و بدون شأن نزول آیات، و

با این سیاست جلوی بسیاری از حقایق و معارف عمیق اسلام را گرفتند و نگذاشتند تا این مصحف قرآنی که همراه با تفسیر و شأن نزول بود، در جامعه معرفی و تعلیم داده شود.

حضرت علی 7 آن مصحف را نزد خود نگاه داشت، این مصحف بعد از ایشان در اختیار ائمه : قرار گرفت و ائمه : از آن قرآن که همراه با تفسیر و شأن نزول بود، برای مردم و اصحاب روایت می نمودند و این مصحف اکنون در اختیار حضرت مهدی 7 است که پس از ظهور آن را آشکار ساخته و دستور می فرمایند تا از روی آن تدریس شود.^۱

این مصحف با آن مشخصات که قرآنی همراه با تفسیر و شأن نزول آیات بود و به املائی پیامبر 9 و خط علی 7 تدوین شده بود، به اضافه کتاب جامعه (که تنها احکام بود) و سایر موارد نبوت و امامت را بعد از خود به امام حسن 7 سپردند و بدین ترتیب تمام موارد و این مصحف هم در حال حاضر در اختیار امام مهدی 7 است تا ان شاء الله در زمان ظهورش و حکومت عدلش، تعلیم و تدریس و عمل گردد.

۱. القرآن الکریم و روایات المدرستین (علامه سیدمرتضی عسکری)، ج ۱۴، ص ۱۷۵.

فصل ششم

امام مهدی 7 وارث مصحف

حضرت زهرا 3

همان‌گونه که در فصل پنجم ذکر نمودیم، مصحف یعنی کتاب جلد شده، حال چه قرآن باشد) مانند مصحف علی 7 که قرآنی است همراه با شأن نزول و تفسیر تمام آیات) و چه غیر قرآن، مصحف حضرت زهرا 3، قرآن دیگری نیست و چیزی از قرآن در آن وجود ندارد بلکه اخبار حوادثی است که در آینده اتفاق خواهد افتاد.

امام صادق 7 فرمود:

أَنَّ فَاطِمَةَ مَكَّتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا كَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَى أَبِيهَا وَ كَانَ جَبْرِئِيلُ ﷺ يَأْتِيهَا فَيُحَسِّنُ عِزَاءَهَا عَلَى أَبِيهَا وَ يُطِيبُ نَفْسَهَا وَ يُخْبِرُهَا عَنْ أَبِيهَا وَ مَكَانِهِ وَ يُخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا وَ كَانَ عَلَى 7 يَكْتُبُ ذَلِكَ فَهَذَا مَصْحَفُ فَاطِمَةَ ﷺ.^١

همانا فاطمه 3 بعد از پیامبر 9 هفتاد و پنج روز در دنیا بود و از فراق پدر اندوه بسیاری داشت، جبرئیل 7 می‌آمد و او را در مرگ پدر تسلی می‌داد و آرام می‌ساخت و از احوال و مقام پدرش خبر می‌داد، سرگذشت اولادش را پس از او برایش می‌گفت و علی 7 آنها را می‌نوشت و آن نوشته‌ها مصحف فاطمه 3 است. در روایتی دیگر امام صادق 7 به یکی از اصحابش به نام فضیل بن سُکَره می‌فرماید:

١. اصول کافی، ج ١ (کتاب الحجّه) باب فیهِ ذکر الصّحیفه و مصحف فاطمه(س)، ح ٥، ص ٣٤٨.

یا فضیل، ادری فی ای شیء کنت انظر قبیل، قال، قلت: للقال: کنت انظر فی کتاب فاطمه لیس من ملک یملك الارض الا و هو مکتوب فیه باسمه و اسم ابیه و ما وجدت لولد الحسن فیه شیئاً.^۱

ای فضیل، می دانی اندکی پیش چه مطالعه می کردم؟ عرض کرد: نه، فرمود: کتاب فاطمه ۳ را مطالعه می کردم، تمام کسانی که در زمین فرمانروایی می کنند نام خود و نام پدرشان در آن نوشته است و من برای فرزندان حسن چیزی در آن ندیدم.

با این احادیث روشن می گردد که مصحف حضرت زهرا ۳، کتابی است که در آن حوادث آینده نوشته شده؛ مثلاً اینکه چه کسانی پادشاهی یا حکومت می کنند (البته به طور رمز).

حماد بن عثمان گفت: از امام صادق ۷ شنیدم که می فرمودند: در سال ۱۲۸ زناقه ظاهر می شوند. چون در مصحف فاطمه ۳ دیده ام. عرض کردم: فاطمه ۳ چیست؟ فرمود: پس از گذشت پیامبر اکرم ۹، فاطمه زهرا ۳ آنقدر محزون شد که جز خدا کسی نمی داند؛ خدا فرشته ای را فرستاد او را تسلی دهد و با او صحبت کند، آن حضرت جریان را برای علی ۷ نقل کرد. امیرالمؤمنین به او فرمود: هر وقت احساس به آمدن او کردی و صدرا را شنیدی به من اطلاع بده. فاطمه ۳ اطلاع داد و علی ۷ هر چه می شنید، می نوشت تا به صورت مصحفی در آمد. پس امام صادق ۷ فرمود: در آن مصحف از حلال و حرام چیزی نیست ولی

وقایعی است که اتفاق می‌افتد.^۱

با این حدیث روشن می‌شود که آن مصحف حضرت فاطمه 3 به دست امام صادق 7 رسیده بود، و آن حضرت از روی آن مصحف، اخباری را نقل می‌کرده است؛ این مصحف نیز از جمله مواردی است که نزد امام عصر 7 است.

در کتاب بصائر الدرجات با بیش از یک سند از قول امام صادق 7 آمده است که در آن حضرت در جواب کسانی که نزد او آمده و آنچه رسول خدا 9 برای علی 7 و او برای حسن 7 باقی گذارده سؤال می‌کردند، فرمود:

رسول خدا 9 چیزی را نزد ما باقی گذارده که همه آنچه بشر نیازمند آن است، حتی خسارت خراش ناخن نیز در آن هست) کتاب جامعه علی 7 و فاطمه 3 مصحفی باقی گذارده که قرآن نیست ...^۲

برخی از نویسندگان اهل سنت نیز مطالبی غیر واقعی در خصوص مصحف فاطمه 3 گفته و نوشته‌اند که این مصحف، یک قرآن دیگری است، در حالی که احادیث ائمه تماماً مؤید این مطلب است که این مصحف هیچ کلمه‌ای از قرآن را در بر ندارد، بلکه خبر از حوادث و وقایع می‌دهد و نیز احکام در آن نیست و هیچکدام از بزرگان شیعه، ادعا نکرده‌اند که مصحف حضرت زهرا 3 قرآن است.

بنابراین این مصحف هم با آن خصوصیتی که بیان شد،

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۶، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۴۴، ح ۷۷.

۲. معالم المدرستین، ج ۲، ص ۳۲۲؛ بصائر الدرجات، ص ۱۵۶.

۷۰ ❦ امام مهدی 7 و میراث سلف صالح

جزء کتاب‌ها و سایر مواریثی است که در نهایت به دست امام
مهدی 7 و به توسط پدر بزرگوارش، امام حسن عسکری 7
رسیده است.

فهرست منابع و مآخذ

۱. اصول کافی، ثقه الاسلام یعقوب کلینی (محمّد بن یعقوب بن اسحاق الكليني الرازي، متوفی ۳۲۹ ه. ق).
۲. لسان العرب، ابن منظور (علامه ابن منظور الافريقى المصرى، متوفی ۷۱۱ ه. ق).
۳. كنز العُمال فی سنين الاقوال و الافعال، علاء الدين على المتقى الهندی.
۴. ینابيع الموده، سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی.
۵. مناقب آل ابی طالب 7، ابوجعفر رشیدالدین محمد بن شهر آشوب (مشهور به مناقب شهر آشوب).
۶. رجال نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی بن عباس نجاشی.
۷. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق (ابوجعفر بن علی حسین بن بابویه قمی - متوفی ۳۸۱ ه. ق).
۸. بحار الانوار الجامعه لِذُرَرِ اخبار الائمه الاطهار، محمدباقر مجلسی - متوفی ۱۱۱۱ ه. ق.
۹. معانی الاخبار، شیخ صدوق (ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی).
۱۰. الامالی، شیخ صدوق (ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی).
۱۱. تهذیب الاحکام، شیخ الطائفه محمد طوسی. (ابوجعفر محمد بن حسن بن علی مشهور به شیخ الطائفه، متوفی ۴۶۰ ه. ق).

(ق).

١٢. الغيبة النعماني، محمد بن ابراهيم بن جعفر النعماني.
١٣. المفردات الفاظ القرآن في غريب القرآن (مفردات راغب)، ابوالقاسم الحسين بن محمد الراغب الاصفهاني.
١٤. كمال الدين و تمام النعمه، شيخ صدوق.
١٥. الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر، سيد بن طاووس (رضي الدين على بن موسى متوفى ٦٦٤ هـ. ق).
١٦. المنتخب الاثر، آيت الله لطف الله صافي گلپايگانی.
١٧. الارشاد في معرفه حجج الله على العباد، شيخ مفيد (مشهور به ارشاد شيخ مفيد).
١٨. اعلام الوري باعلام الهدى، امين الاسلام طبرسي (ابوعلی فضل بن الحسن - متوفى ٥٤٨ هـ. ق).
١٩. الغيبة، شيخ طوسي (ابوجعفر محمد بن حسن بن علی مشهور به شيخ الطائفة، متوفى ٤٦٠ هـ. ق).
٢٠. الاختصاص، شيخ مفيد (لابي عبدالله محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي متوفى ٤٦٠ هـ. ق).
٢١. وسائل الشيعه الى تحصيل الشريعه، شيخ خُر عاملی (محمد بن الحسن الخُر عاملی متوفى ١١٠٤ هـ. ق).
٢٢. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد 9، محمد بن حسن صفار (محمد بن حسن بن فروخ الصفار - متوفى ٢٩٠ هـ. ق).
٢٣. حيوة القلوب، علامه محمد باقر مجلسي.
٢٤. تفسير اطيب البيان في تفسير القرآن، سيد عبدالحسين طيّب.

امام مهدی 7 و میراث سلف صالح ﴿﴾ ۷۳

۲۵. القرآن الکریم و روایات المدرستین، علامه آیتالله سید مرتضی عسکری.

۲۵. نقش ائمه : در احیاء دین، علامه آیت الله سیدمرتضی عسکری.

۲۷. معالم المدرستین، علامه آیت الله سیدمرتضی عسکری.

۲۸. سُنن ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید بن عبدالله بن ماجه القزوينی متوفی ۲۷۳ هـ. ق.

۲۹. مُسند احمد، احمد بن محمد بن حنبل الشیبانی متوفی ۲۴۱ هـ. ق.

ملحقات

۱. متن کامل دیدگاه دانشمند معظم و مجتهد عالی قدر حضرت آیت الله آقای صابری همدانی پیرامون مصحف فاطمه زهرا 7 و جفر و جامعه

بسم الله الرحمن الرحيم

مصحف فاطمه، جفر و جامعه

یکی از معتقدات و باورهای شیعه دوازده امامی موضوع مصحف فاطمه زهرا 3 و جفر و جامعه امام علی بن ابی طالب 7 است اینان بر این باورند در این سه منابع مسائل و احکام و موضوعات دیگری وجود دارد که در دیگر منابع اسلامی یافت نمی شود و فقط در دست و اختیار امامان معصوم قرار دارد. گاهی برادران مسلمان اهل سنت و شیعه از حقیقت این سه امر می پرسند و با نظر شبهه و تردید به آنها می نگرند لازم دانستم برای رفع شبهه و بیان حقیقت سطوری بنگارم دقت و انصاف خواننده عزیز را هم متوقع هستم. مقدمتاً باید گفته شود که حضرت محمد بن عبدالله 9 در چهل سالگی به رسالت و پیامبری مبعوث شد و سخنان آن حضرت و قرآنش به گوش مردم رسید و تدریجاً به صورت حدیث نقل شد و به دست ما رسید و به مرور زمان شکل کتاب به خود گرفت. آیا پیامبر بزرگوار اسلام تا چهل سالگی حرفی، حدیثی،

سخنی، کلامی نداشته و دهان مبارکش را بسته بود هیچ مطلبی از گذشته و آینده، اخلاقی و تربیتی، خانوادگی، اجتماعی، دینی و سیاسی نمی فرموده یا لااقل به عنوان یک فرد کامل و عاقل و صاحب تجربه و فکر و اندیشه مطالبی و نصائحی داشته است اگر داشته که یقیناً هم بوده این همه معلومات را کی نوشته و نزد چه کسی بوده و چه شخصی آنها را شنیده و ضبط کرده. در آن هنگام که مهاجر و انصار صحابه، نویسندگان و کتاب وحی نبود. ابوهیره و دیگران نبودند و ارتباطی با اسلام نداشتند ولی خدیجه کبری و علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا و خانواده رسول خدا این مطالب را می شنیدند و به خاطر می سپردند.

پس از رسیدن دوره رسالت سیزده سال آن حضرت در مکه معظمه تحت شکنجه و آزار و اذیت و محاصره و ممانعت بسر برده در این مدت نسبتاً طولانی که باز مطالب و مسائل فراوان و مفید و گاهی پیش گوییها و وعدههایی هم داشته است از مهاجر و انصار و صحابه که فرمایشها آن حضرت را بنویسند و ضبط کنند کسی جز خانواده اش خدیجه، علی و زهرا نبود که این مطالب و موضوعات را از زبان پیامبر بشنود و به خاطر بسپارد از همین رهگذر است که زمینه مصحف فاطمه و جفر و جامعه علی بن ابی طالب 7 فراهم می گردد.

مصحف فاطمه که به معنای صحیفه و نوشته است حاوی مطالبی است که دختر پیغمبر از پدرش در دوران حیات تا رحلتش که اقلش هیجده سال است شنیده و آنها را نوشته و به خاطر داشته است و در آن مصحف جمع شده و گرد آمده

مطابق روایات حرفی از قرآن کریم در آن مصحف نیست که جبریل به عنوان قرآن و معجزه جاودانی پیامبر اسلام آورده باشد بلکه گفتار و سخنانی است که از پیامبر اسلام شنیده به علاوه مطالبی که بعد از رحلت پیغمبر اکرم وسیله ملکی از ملائک به فاطمه زهرا بیان شده که تسلی خاطر آن بانوی بزرگ اسلام فراهم شود و این مصحف قرآن کریم نیست و کتاب آسمانی اسلام را پس از گردآوری و جمع کردن در یک جا مصحف نامیدند.

اما جعفر که به معنای پوست گوسفند است در زمانیکه کاغذ برای نوشتن و یادداشت مطالب وجود نداشت از آن استفاده می شد. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب تمام مطالب شنیده از پیامبر اسلام تا پنجاه و سه سال عمر آنحضرت و هجرت مدینه طیه با هر آنچه خصوصی و سری را در جعفر در پوست گوسفندی نوشته و به عنوان اسرار امامت و ودیعه نگه می داشت.

علاوه بر این کتابی به نام جامعه نزد علی بن ابی طالب با املای پیغمبر اکرم وجود داشته که هر چیزی که مسلمانان محتاج به آن می شدند از احکام و مسائل در آن نوشته درج شده بود به همین سبب و علت است که پیغمبر اکرم در حدیث متواتر فرموده:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ عَلِيُّ بَابُهَا، يَا، أَنَا مَدِينَةُ الْحَكَمِ عَلِيُّ بَابُهَا وَ مِنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا.

بر هر کسی که دنبال علم و حکمت برود باید با امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب مراجعه کند و از او بپرسد و بشنود خواه به خلافت بلافصل علی بعد از پیغمبر مانند دوازده امامی ها معتقد

باشند یا مانند سنی‌ها در مرتبه چهارم بدانند ولی مرکز رسمی علمی و منبع صحیح اسلامی آن حضرت است که بایستی بعد از پیغمبر اکرم به او مراجعه شود اگر مراجعه می‌شد این همه اختلاف پیش نمی‌آمد این منابع علمی تماماً از علی‌بی ابی‌طالب و فاطمه زهرا به فرزندانش به ارث رسیده و نزد امامان معصوم بوده گاهی از امام صادق مسئله‌ای را می‌پرسیدند آن حضرت می‌فرمود: کتاب جدم علی را بیاورید و می‌آوردند برای اطمینان و اعتماد کامل مسائل را از آن کتاب بیان می‌کرد.

این است موضوع مصحف فاطمه و جفر و جامعه که دوازده امامی‌های شیعه بدان معتقدند در این جفر و جامعه مطالبی وجود داشته که جنبه‌های سیاسی را دربرداشت از انقراض دولت بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی‌عباس و شرارت جنایت برخی از قبایل که فقط برای افراد خاص گفته می‌شده.

والسلام علی من اتبع الهدی

الاحقر صابری همدانی

به تاریخ ۲۲ / ۴ / ۸۳

برابر با ۲۳ جمادی الاول ۱۴۲۵

۲. در خصوص چگونگی رسیدن الواح حضرت موسی به

پیامبر ۹

عن ابی حمزه عن ابی عبدالله علیه السلام قال: فی الجفر انّ الله تبارک و تعالی لما انزل الله الالواح علی موسی علیه السلام انزلها علیه و فیها تبیان کل شیء کان او هو کائن الی ان تقوم الساعه فلما انقضت ایام موسی او حی الله استودع الالواح و هی زیر جده من الجنّه جبلاً یقال له زینه، فأتی موسی الجبل فانشق له الجبل فجعل فیہ الالواح ملفوفه فلما جعلها فیہ انطبق الجبل علیها، فلم تنزل فی الجبل حتّی بعث الله نبیّه محمّداً صلی الله علیه و آله فاقبل ركب من الیمن یریدون الرسول صلی الله علیه و آله فلما انتهوا الی الجبل انفرج الجبل و خرجت الالواح ملفوفه کنا وضعها موسی فأخذها القوم، فلما وقعت فی ایدیهم القی الله فی قلوبهم ان لا ینظروا الیها و هابوها حتّی یأتو اباها رسول الله صلی الله علیه و آله و انزل الله جبریل علی نبیّه فاخبره بامر القوم و بالذی اصابوه، فلما قدموا علی النبی صلی الله علیه و آله ابتدأهم فسألهم عما وجدوا فقالوا: و ما علّمک بما وجدنا؟ قال: اخبرنی به ربّی و هو الالواح قالوا: نشهد انک لرسول الله فاخرجوها فوضعوها الیه فنظر الیها و قرأها و كانت بالعبرانی ثم دعا امیر المؤمنین علیه السلام فقال: دونک هذه ففیها علم الاولین و علم الآخین و هی الالواح موسی و قد امرنی ربّی ان ادفعها الیک فقال: یا رسول الله لست احسن قرائتها، قال: انّ جبریل امرنی ان آمرک ان تضعها تحت

رأسك كتابك هذه الليلة فأنك تصيح و قد علمت قرأتها، قال فجعلها تحت رأسه فاصبح و قد علمه الله كل شيء فيها، فامرہ رسول الله ﷺ بنسخها فنسخها في جلده شاه و هو الجفر، و فيه علم الاولين و الآخرين، هو عندنا و الالواح عندنا و عصا موسى عندنا و نحن ورثنا النبيين صلى الله عليهم اجمعين، قال: قال ابو جعفر عليه السلام: تلك الصخره التي حفظت الواح موسى تحت شجره في واد يعرف بكذا.^١

٣. در مورد عصای حضرت موسی 7

عن محمد بن علي عليه السلام قال: كانت عصا موسى لآدم فصارت الى شعيب، ثم صارت الى موسى بن عمران و انها لتروع و تلقف ما يكفون و تصنع ما تؤمر، يفتح لها شعبتان احديهما في الارض و الاخرى في سقف و بينهما اربعون ذراعاً تلقف ما يأكون بلسانها.^٢

٤. عن ابي الصهبان البكري قال: سمعت علي بن ابي طالب عليه السلام دعا رأس الجالوت و اسقف النصاري فقال: اني سائلكما عن امرو انا اعلم به منكما فلا تكتمانى يا رأس الجالوت بالذى انزل التوريه على موسى و اطعمكم المنّ و السلوى و ضرب لكم في البحر طريقاً ييساً و فجر لكم من الحجر الطورى اثنتا عشره عيناً

١. بحار الانوار، ج ٦، ص ٢٢٧؛ تفسير البرهان، ج ٢، ص ٣٦؛ تفسير الصافي، ج ١، ص ٦١٢؛ تفسير عياشي، ج ٢، ص ٢٨.
 ٢. بحار الانوار، ج ٥، ص ٢٥٤؛ تفسير البرهان، ج ٢، ص ٢٧؛ تفسير عياشي، ج ٢، ص ٢٥.

لَكُلِّ سَبْطٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَيْنًا إِلَّا مَا أَخْبَرْتَنِي عَلَى كَيْفِ افْتَرَقْتَ
بَنُو إِسْرَائِيلَ بَعْدَ مُوسَى؟ فَقَالَ، فَرَّقَهُ وَاحِدَهُ فَقَالَ: كَذَبْتَ وَالَّذِي لَا
إِلَهَ غَيْرُهُ لَقَدْ افْتَرَقَتْ عَلَى أَحَدِي وَسَبْعِينَ فَرَّقَهُ كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا
وَاحِدَهُ، فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: وَمَنْ قَوْمَ مُوسَى أُمَّهُ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ
يَعْدِلُونَ فَهَذَا الَّتِي تَنْجُوهُ.^١

٥. عَنْ مَفْضُلِ الْجَعْفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:
أَتَدْرِي مَا كَانَ قَمِيصُ يُوسُفَ؟ قَالَ: قُلْتُ لَا قَالَ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَمَّا
وَقَدَّ النَّارَ لَهُ أَتَاهُ جَبْرِيلُ مِنْ ثِيَابِ الْجَنَّةِ فَأَلْبَسَهُ إِيَّاهُ فَلَمْ يَضُرَّهُ
مَعَهُ حَرٌّ وَلَا بَرْدٌ فَلَمَّا حَضَرَ إِبْرَاهِيمَ الْمَوْتَ جَعَلَهُ فِي تَمِيمَةٍ وَ
عَلَّقَهُ عَلَى إِسْحَاقَ وَعَلَّقَ إِسْحَاقُ عَلَى يَعْقُوبَ فَلَمَّا وَلَدَ لِيَعْقُوبَ
يُوسُفَ عَلَّقَهُ عَلَيْهِ، وَكَانَ فِي عَضْدِهِ حَتَّى كَانَ مِنْ أَمْرِهِ مَا كَانَ،
فَلَمَّا أَخْرَجَ يُوسُفَ الْقَمِيصَ مِنَ التَّمِيمَةِ وَجَدَ يَعْقُوبَ رِيحَهُ وَهُوَ
قَوْلُهُ أَنِّي لَا جَدَّ رِيحَ يُوسُفَ لَوْ لَا تَفَنَّدُونَ فَهُوَ ذَلِكَ الْقَمِيصُ الَّتِي
أَنْزَلَ مِنَ الْجَنَّةِ قُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ فَالِي مَنْ صَارَ ذَلِكَ الْقَمِيصُ؟
فَقَالَ إِلَيَّ: أَهْلُهُ ثُمَّ قَالَ: كُلُّ نَبِيٍّ وَرَثَ عِلْمًا أَوْ غَيْرِهِ فَقَدْ أَنْتَهَى
إِلَى مُحَمَّدٍ عليه السلام.^٢

٦. عَنْ حَرِيزٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ: أَنْ يَأْتِيَكُمُ
التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ مُوسَى وَآلُ مُوسَى

١. بحار الانوار، ج ٨، ص ٢؛ تفسير البرهان، ج ٢، ص ٤١؛ تفسير عياشي، ج ٢، ص ٣٢.

٢. تفسير البرهان، ج ٢، ص ٢٦٦؛ بحار الانوار، ج ٥، ص ١٧٨؛ تفسير عياشي، ج ٢، ص ١٩٤.

وَأَلْهَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ، قال، رضا ضاح الاواح فيها العلم
والحكمة العلم جاء من السماء فكتب في الاواح وجعل في
التابوت.^۱

۷. عن العباس بن هلال عن ابي الحسن الرضا قال ﴿﴾ سمعته
و هو يقول للحسن، اى شىء السكينة عندكم و قرأ فَأَنْزَلَ اللَّهُ
سَكِينَةً عَلَى رَسُولِهِ، فقال له الحسن، جعلت فداك لا ادرى فائى
شىء؟ قال: ریح تخرج من الجنة طيبه لها صوره كصوره وجه
الانسان قال: فتكون مع الانبياء فقال له على بن اسباط: تنزل
على الانبياء والاوصياء؟ فقال: تنزل على الانبياء [و الاوصياء]
قال: و هى التى نزلت على ابراهيم ﴿﴾ حيث بنى العكبة فجعلت
تأخذ كذاكذا و بنى الاساس عليها فقال له محمد بن على: قول
الله فيه سكينة من ربكم قال: هى من هذا ثم اقبل على الحسن
فقال: اى شىء التابوت فيكم؟ فقال: السلاح، فقال: نعم هو
تابوتكم، فقال فائى شىء فى التابوت الذى كان فى بنى اسرائيل؟
قال: كان فيه الواح موسى التى تكسرت والطست التى تغسل
فيها قلوب الانبياء.^۲

۸. در مورد موارث انبيا و مصحف على ۷

علامه مرحوم سيّد عبدالحسين شرف الدين عاملى در كتاب

۱. تفسير الصافى، ج ۱، ص ۲۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۳۱؛ تفسير البرهان، ج ۱، ص ۲۳۷؛ تفسير عياشى، ج ۱، ص ۱۳۳.
۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۳۱؛ تفسير البرهان، ج ۱، ص ۲۳۷؛ تفسير الصافى، ج ۱، ص ۲۰۹؛ تفسير عياشى، ج ۱، ص ۱۳۴.

النص والاجتهاد (ترجمه علی دوانی، ص ۱۶۱، بخش ۱۴، منع از نوشتن احادیث پیامبر) می نویسد:

اما خود پیغمبر همگی کتاب خدا (قرآن) و سنت و میراث پیغمبران را به جانشین خویش علی بن ابی طالب سپرد بدین گونه آن ها را در امام مبین گرد آورد که هرگز باطل در وجود او راه ندارد و به آن حضرت وصیت کرد آنها را به امامان بعد از خود بسپار امامانی که یکی از دو ثقل پیغمبر و همتای کتاب خدا بودند و از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر پیغمبر ۹ وارد گردند.

۹. عن جابر الجعفی فی تفسیر هذه الآیة تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، قَالَ إِنَّ الْأَسْمَ الْأَكْبَرِ ثَلَاثَةٌ وَ سَبْعُونَ حَرْفًا فَاحْتَجِبَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْهَا بِحَرْفٍ، فَمَنْ ثُمَّ يَعْلَمُ أَحَدًا مَا فِي نَفْسِهِ عَزَّ وَ جَلَّ، أُعْطِيَ آدَمُ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ حَرْفًا وَ قُتَوَارِثُهَا الْأَنْبِيَاءُ حَتَّى صَارَتْ إِلَى عِيسَى فَذَلِكَ قَوْلُ عِيسَى تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي يَعْنِي اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ حَرْفًا مِنْ الْأَسْمِ الْأَكْبَرِ، يَقُولُ: أَنْتَ عَلَّمْتَنِيهَا فَأَنْتَ تَعْلَمُهَا وَ لَا أَعْلَمُ فِي نَفْسِكَ يَقُولُ: لِأَنَّكَ احْتَجَبْتَ [مِنْ خَلْقِكَ] بِذَلِكَ الْحَرْفِ فَلَا يَعْلَمُ أَحَدًا مَا فِي نَفْسِكَ.^۱

۱۰. عن عبدالله بن بشیر عن ابی عبدالله عليه السلام قال، كان مع عيسى حرفين يعمل بهما و كان مع، موسى اربعة و كان مع ابراهيم ستة

۱. تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۵۱۳؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۲۶ و ۵۶؛ تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۵۰۰؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۵۲.

وَ كَانَ مَعَ نُوحٍ ثَمَانِيَهُ وَ كَانَ مَعَ آدَمَ خَمْسَهُ وَ عَشْرِينَ وَ جَمِيعَ ذَلِكَ كُلَّهُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اسْمَ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ وَ سَبْعُونَ حَرْفًا، كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ اثْنَانِ وَ سَبْعِينَ حَرْفًا وَ حُجِبَ عَنْهُ وَاحِدٌ.^۱

۱۱. حدیثی که اثبات می‌کند ودایع نوبت به وسیله ابوطالب ۷

به دست پیامبر رسیده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى قَالَ: حَدَّثَنِي دُرُشْتُ بْنُ أَبِي مَنْصُورٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ ؑ: أَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَخْجُوجًا بِأَبِي طَالِبٍ؟ فَقَالَ، لَا، وَ لَكِنَّهُ كَانَ مُسْتَوْدَعًا لِلْوَصَايَا فَدَفَعَهَا إِلَيْهِ ﷺ وَ سَلَّمَ. قَالَ: قُلْتُ فَدَفَعَ إِلَيْهِ الْوَصَايَا عَلَى أَنَّهُ مَخْجُوجٌ بِهِ؟ فَقَالَ: لَوْ كَانَ مَخْجُوجًا بِهِ مَا دَفَعَ إِلَيْهِ الْوَصِيَّةَ، قَالَ: فَقُلْتُ: فَمَا كَانَ حَالُ أَبِي طَالِبٍ؟ قَالَ: أَقْرَبَ بِالنَّبِيِّ وَ بِمَا جَاءَ بِهِ وَ دَفَعَ إِلَيْهِ الْوَصَايَا وَ مَاتَ مِنْ يَوْمِهِ.^۲

۱۲. یعقوب سراج می‌گوید که خدمت امام صادق ۷ عرضه

داشتیم: فرج شیعیان شما چه وقت است؟ فرمودند:

... فرج ما هنگامی است که صاحب الامر ۷ با میراث‌های پیامبر اکرم از مدینه خارج شده رهسپار مکه معظمه گردد.

پرسیدم: میراث پیامبر اکرم چیست؟ فرمود: شمشیر، زره، عمامه، بُرد، تازیانه، پرچم، سپر و زین آن حضرت است. چون وارد مکه شود شمشیر را از غلاف بیرون آورد، زره، بُرد و عمامه

۱. تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۵۱۳؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۵۲.

۲. اصول کافی، ج ۳ (باب مولد النبی(ص))، ح ۱۸۰، ص ۲۷۴.

را می‌پوشد، پرچم را برافراشته، تازیانه را به دست می‌گیرد و از خدای تبارک و تعالی اذن ظهور می‌طلبد.^۱

۱۳. حضرت مهدی 7 با موارث گرانبهای انبیا می‌آید و به وسیله آنها با تمام پیروان ادیان و ملل جهان اتمام حجت می‌نماید و راه عذر و بهانه برای هیچ یک از پیروان ادیان الهی باقی نمی‌گذارد، تا اینکه همگی به اسلام بگردند.^۲

۱۴. امام باقر 7 می‌فرماید:

حضرت قائم 7 با پرچم رسول خدا 9، انگشتر حضرت سلیمان، سنگ موسی و عصای او ظاهر خواهد شد.^۳

۱۵. امام باقر 7 درباره نام مبارک مهدی 7 می‌فرماید:

به او، مهدی، گفته می‌شود زیرا به امر پنهان هدایت شده و به آن آگاه شده است. او تورات و انجیل و سایر کتابهای آسمانی را از غاری در انطاکیه (شهری در جنوب ترکیه) بیرون می‌آورد و در میان یهودیان با تورات و در میان مسیحیان با انجیل و در میان زبوریان با زبور و در میان مسلمانان با قرآن داوری می‌کند.^۴

۱۶. امام باقر 7 در حدیثی راجع به عصای حضرت موسی 7

می‌فرماید:

عصای موسی نخست در دست آدم بود، سپس به دست شعیب

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۱، ح ۶۶؛ اصول کافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵؛ ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و ملل جهان، سیداسدالله هاشمی شهیدی، ص ۴۲۹؛ الغیبه النعمانی، ص ۱۴۴.

۲. (المؤلف).

۳. الغیبه النعمانی، ص ۲۳۸، ح ۲۸.

۴. الغیبه النعمانی، ص ۲۳۷، ح ۲۶.

رسید و سرانجام به دست موسی بن عمران و هم‌اکنون در دست ماست و آن هم‌اکنون در دست من سبز است همانند روزی که از درخت بریده شد. با این عصا هر وقت سخن گوئیم سخن می‌گوید. این عصا برای قائم ما آماده شده که همچون موسی بن عمران آن را به کار می‌برد. این عصا اهل باطل را می‌ترساند و هر چه بیندازد می‌بلعد و آنچه حجت خدا فرمان دهد اطاعت کند...^۱

۱۷. امام علی ۷ در ضمن یک خطبه بسیار مفصل و طولانی بعد از ذکر اسامی اصحاب قائم ۷ می‌فرماید: ... آنگاه به سوی کوفه عزیمت می‌کند و بر تخت سلیمان پیامبر می‌نشیند. عصای موسی را در دست می‌گیرد و روح الامین (جبریل) و حضرت عیسی بن مریم ۷ همنشین او هستند بُرد پیامبر را بر تن دارد و ذوالفقار را حمایل کرده و صورتش چون قرص ماه در شب چهارده می‌درخشد، از میان دندان‌های ثناییش نوری چون برق ساطع می‌شود و بر سر مبارکش تاجی از نور قرار دارد.^۲

۱۸. امیرمؤمنان علی ۷ در ضمن حدیثی می‌فرماید: جهان پر از هرج و مرج می‌شود، افق زندگی تیره و تار می‌گردد، در این موقع مهدی مامی‌آید در حالی که پیراهن آدم در تن او، انگشتر حضرت سلیمان در دست او و عصای حضرت موسی در اختیار اوست.^۳

۱۹. حذیفه بن یمان در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام نقل

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱؛ مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، ج ۲، ص ۶ ماده ارب اوصاف عصای موسی(ع).
 ۲. الزام الناصب، علی حائری یزدی، ج ۲، ص ۲۰۳؛ ظهور حضرت مهدی(ع) از دیدگاه اسلام، سید اسدالله هاشمی شهیدی، ص ۴۲۸.
 ۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۴.

می‌کند که در مورد برخی از فتوحات حضرت مهدی 7 فرمود:
 زیورهای بیت المقدس، تابوت سکینه، مائده بنی اسرائیل، بقایای
 الواح، عصای موسی، منبر سلیمان را بیرون می‌آورد. همچنین یک
 قفیز از (من) که برای بنی اسرائیل فرود آمده بود بیرون می‌آورد در
 حالی که شیر از سفیدتر است.^۱

۲۰. در روایتی دیگر آمده است:

تابوت سکینه به وسیله او از دریاچه طبریه (در فلسطین) بیرون
 آورده می‌شود و همراه آن حضرت حمل گردیده، در بیت المقدس
 برابر او گذاشته می‌شود. هنگامی که یهودیان آن را ببینند همگی
 به شرف اسلام مشرف می‌شوند به جز تعدادی اندک که اسلام
 نمی‌آورند.^۲

۲۱. علی بن ابراهیم عن صالح بن السنّدي عن جعفر بن بشیر
 عن ابی عبدالرحمن الحذاء عن اسامه عن ابی عبيده عن ابی
 جعفر عليه السلام قال: مسجد كوفان صلّى فيه الف نبیّ و سبعون نبیّاً و
 فيه عصا موسى و شجرة يقطين و خاتم سليمان و منه فارالتنّور
 و نجرت السفينه و هي سرّه بابل و مجمع الانبياء.^۳

۲۲. احمد بن محمد بن يحيى عن ابيه عن ابن ابان عن ابن اُورمه
 عن علي بن مطهر عن الحسن بن الميثمي عن رجل عن ابی

۱. الزام الناصب، علی حائری یزدی، ج ۲، ص ۲۲۹؛ عقد الدرر فی اخبار المنتظر،
 المقدسی الشافعی، ص ۱۹۷.

۲. الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، ابن طاووس (رضی الدین علی بن
 موسی)، ص ۱۵۰، باب ۱۵۴؛ ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب
 و ملل جهان، ص ۴۲۶.

۳. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۵۸، ح ۶۰؛ التّهذیب، ج ۱، ص ۱۹۳.

عبدالله ﷺ قال: قال ابوذر، يا رسول الله كم بعث الله من نبي؟ فقال: ثلاث مائه الف نبي و عشرين الف نبي قال: يا رسول الله فكم المرسلون؟ فقال: ثلاث مائه و بضعه عشر. قال: يا رسول الله فكم انزل الله من كتاب؟ فقال: مائه كتاب و اربعة و عشرين كتاباً: انزل على ادريس خمسين صحيفة و هو اخنوخ و هو اول من خط بالقلم، و انزل على نوح و انزل على ابراهيم عشراً، انزل التوراه على موسى، الزبور على داود، الانجيل على عيسى و القرآن على محمد ﷺ. ١

٢٣. ابي عن احمد بن ادريس عن الاشعري عن عبدالله بن احمد عن محمد بن علي الصيرفي عن الحسين بن خالد قال: قلت لابي الحسن موسى بن جعفر ﷺ: ما كان نقش آدم ﷺ؟ فقال: لا اله الا الله، محمد رسول الله ﷺ. هبط به آدم من الجنة و ساق الحديث الى قوله: برداً و سلاماً. ٢

٢٤. احمد بن محمد عن ابي عبدالله البرقي يرفعه الى ابي عبدالله ﷺ قال: ان الله عز وجل جعل اسمه الاعظم على ثلاثه و سبعين حرفاً. فأعطى آدم منها خمسة و عشرين حرفاً و اعطى نوحاً منها خمسة و عشرين حرفاً و اعطى منها ابراهيم ﷺ ثمانية احرف و اعطى موسى منها اربعة احرف و اعطى عيسى منها حرفين و كان يحيى بهما الموتى و يبصرى الاكمه و الابرص و

١. بحار الانوار، ج ١١، ص ٦٠، ح ٦٨؛ الاختصاص.
٢. بحار الانوار، ج ١١، ص ٦٣، ح ٢؛ خصال، ج ١، ص ١٦٢.

اعطى محمداً اثنين و سبعين حرفاً و احتجب حرفاً ثلثا يعلم ما في نفسه و يعلم ما في نفس العباد.^١

٢٥. باسناده عن ابن فضال عن الرضا عليه السلام قال: لما اشرف نوح على الغرق دعا الله بحقنا فدفع الله عنه الغرق و لما رمى ابراهيم في النار دعا الله بحقنا فجعل الله النار عليه برداً و سلاماً و ان موسى عليه السلام لما ضرب طريقاً في البحر، دعا الله بحقنا فجعله ييساً و ان عيسى عليه السلام لما اراد اليهود قتله دعا الله بحقنا من القتل و رفعه اليه.^٢

٢٦. احمد بن ادريس عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان بن يحيى عن شعيب الحداد عن ضريس الكناسي قال: كنت عند أبي عبدالله عليه السلام عنده ابوبصير فقال ابو عبدالله عليه السلام، ان داود عليه السلام ورث علم الانبياء و ان سليمان عليه السلام ورث داود و ان محمداً عليه السلام ورث سليمان عليه السلام و انا ورثنا محمداً عليه السلام، و ان عندنا صحف ابراهيم و الواح موسى فقال ابوبصير: ان هذا هو العلم. فقال: يا ابا محمد ليس هذا هو العلم، انما العلم ما يحدث بالليل و النهار يوماً بيوم و ساعه بالساعه.^٣

٢٧. ابو محمد عن عمران بن موسى عن موسى بن جعفر

١. بحار الانوار، ج ١١، ص ٦٨، ح ٢٥؛ بصائر الدرجات، ص ٥٦.

٢. بحار الانوار، ج ١١، ص ٦٩، ح ٢٧؛ قصص الانبياء.

٣. بحار الانوار، ج ١٧، ص ١٣٢، ح ٨؛ اصول کافی، ج ١، ص ٢٢٥.

البغدادي عن علي بن اسباط عن محمد بن الفضيل عن الثمالی
عن ابي عبدالله عليه السلام قال: في الجفر ان الله تعالى لما انزل الواح
موسى عليه السلام انزلها عليه وفيها تبیان كل شيء كان و هو كائن
الى ان تقوم الساعة فلما انتضت ايام موسى او حى الله اليه ان
استودع الالواح و هي زبرجده من الجنة الجبل، فأتى موسى
الجبل فانشق له الجبل فجعل فيه الالواح ملفوفة فلما جعلها
فيه انطبق الجبل عليها، فلم تزل في الجبل حتى بعث الله نبيه
محمدًا عليه السلام فأقبل ركب من اليمن يريدون النبي صلى الله عليه وآله وسلم فلما انتهوا
الى الجبل انفرج الجبل و خرجت الالواح ملفوفة كما وضعها
موسى عليه السلام فأخذها القوم، فلما وقعت في ايديهم التقي في قلوبهم
ان لا ينظروا اليها و هابوها حتى أتوا بها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و
انزل الله جبريل على نبيه صلى الله عليه وآله وسلم فأخبره بأمر القوم و بالذي اناخوا
فلما قدموا على النبي صلى الله عليه وآله وسلم ابتدأهم النبي صلى الله عليه وآله وسلم فسألهم عما وجدوا
فقالوا: و ما علمك بما وجدنا؟ فقال: اخبرني به ربّي و هي
الالواح قالوا: نشهد أنك رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فأخرجوها فدفعوها اليه
فنظر اليها و قرأها و كتابها بالعبرانى هم دعا امير المؤمنين عليه السلام
فقال: دونك هذه ففيها علم الاولين و علم الآخرين و هي الواح
موسى عليه السلام و قد امرني ربّي ان ادفنها اليك. قال: يا رسول الله لست
احسن قراءتها قال: ان جبريل امرني ان آمرك ان تضعها تحت
رأسك ليلتك هذه فانك تصبح و قد علمت قراءتها. قال: فجعلها
تحت رأسك فاصبح و قد علمه الله كل شيء فيها، فأمره رسول
الله صلى الله عليه وآله وسلم ان ينسخها فنسخها في جلد شاه و هو الجفر و فيه علم

الاولین و الآخیرین و هو عندنا و الالواح و عصا موسی عندنا و

نحن ورثنا النبی ﷺ ۱

۲۸. وقتی حضرت قائم 7 از مکه قیام نماید و عازم کوفه شود، منادی او ندا می‌دهد: هیچ یک از شما خوراکی و آشامیدنی بر ندارد [مهدی 7] سنگ موسی را که دوازده چشمه از او جاری می‌شود با خود حمل می‌نماید؛ در هر منزلی که وارد شود آن را نصب می‌کند و چشمه‌ها از او می‌جوشد، هر گرسنه از آن بخورد سیر و هر تشنه سیراب می‌شود. این توشه آنان خواهد بود.^۲

۲۹. حضرت قائم 7 هنگام خروج عصای موسی 7 را به همراه دارد که هرگاه آن را بیفکند اژدهایی خواهد شد که فاصله بین دو فکش چهل ذراع است و هر آنچه را که به او امر شود می‌بلعد.^۳

۳۰. زره رسول خدا 9 بر تن قائم ما 7 راست می‌آید و زیاد و کم نخواهد آمد، ابوجعفر (امام باقر 7) آن را پوشیده از قامتش بلندتر بود، من هم پوشیدم اندکی بزرگتر بود.^۴

۳۱. جبرئیل پرچم رسول خدا 9 را روز بدر نازل نمود که به خدا سوگند جنس آن از پنبه و کتان و ابریشم و حریر نبود. راوی پرسید، پس از چه بود؟ امام 7 از برگ بهشت که رسول خدا 9 آن را روز بدر باز نمود آن‌گاه آن را پیچید و به علی 7 داد و پیوسته با او بود تا روز نبرد بصره آن را باز نمود، آن‌گاه آن را

۱. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۳۷، ح ۲۱؛ بصائر الدرجات، ص ۳۸.
 ۲. الخرائج و الجرائع، ج ۲، ص ۶۹۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵.
 ۳. بیان الاثم، ج ۲، ص ۲۹۱ به نقل از العوالم.
 ۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۹؛ بصائر الدرجات، ص ۱۸۸؛ الخرائج و الجرائع، ج ۲، ص ۶۹۱.

پیچید و اکنون نزد ماست و تا وقتی که قائم ۷ قیام نکند کسی آن را نمی‌گشاید و هرگاه قیام کرد پرچم را باز می‌کند.^۱

۳۲. سوره مریم آیه ۵۶ ذکر شد در کتاب ادريس به درستی او پیامبر ۹ راستگویی است.

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ ادریسَ، اِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا.

۳۳. نخستین امامی که به کتاب امیرالمؤمنین ۷ اشاره کرده و از آن سخن گفته است، امام علی بن الحسین زین العابدین ۷ است و این مطلب حداقل در هشت کتاب معتبر حدیثی روایت شده است و نیز گاهی دیده شده است که امام باقر و امام صادق ۷ کتاب امیرالمؤمنین را در برابر پیروان مکتب خلفا گشوده و مطالبی از آن را به ایشان نشان داده‌اند.

دوازده امام اهل بیت ۷ گاه می‌شد که حکم مسأله‌ای را از کتاب امام علی ۷ می‌گفتند و به کتاب امام تصریح می‌کردند و گاه نیز همان حکم را بدون اینکه نامی از کتاب امام ۷ ببرند بیان می‌داشتند که ما این مطلب را در کتاب معالم المدرستین شرح داده‌ایم. از همین روست که تمامی احادیث ائمه : را سندی واحد است و احادیث آنها با هم از یک رشته برخاسته و از یگانگی کامل با هم برخوردار است. هشام بن سالم، حماد بن عثمان و دیگران روایت کرده‌اند که امام صادق ۷ فرمود:

حدیث من حدیث پدرم است و حدیث پدرم حدیث جدّم و حدیث جدّم همان حدیث حسین است و حدیث حسین حدیث حسن

۱. الغیة النعمانی، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰؛ نجم الثاقب، ص ۱۶۹.

است و حدیث حسن حدیث امیر المؤمنین و حدیث امیر المؤمنین حدیث رسول خدا ﷺ و سخن رسول خدا ﷺ سخن خدای عزوجل است.^۱

۳۴. عن حمّاد بن عثمان قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: تظهر زنادقه سنه ثمانيه و عشرين و مائه و ذلك لأنى نظرت فى مصحف فاطمه. قال: فقلت و ما مصحف فاطمه؟ فقال: ان الله تبارك و تعالى لما نبّيه ﷺ دخل على فاطمه من وفاته من الحزن ما لا يعلمه الا الله عز و جل، فأرسل اليها ملكاً يسأل عنها عمّها و يحدثها فشكت ذلك الى امير المؤمنين على عليه السلام فقال لها، اذا احسست بذلك و سمعت الصوت قولى لى، فاعلمته، فجعل يكتب كلّ ما سمع حتّى اثبت من ذلك مصحفاً. قال: ثمّ قال: اما أنّه ليس من الحلال و الحرام و لكن فيه علم ما يكون.^۲

۳۵. قال الصريحى فى مجمع البحرين: و الصحيفة قطعه من جلد أو قرطاس كتب فيه و منه صحيفه فاطمه و روى أنّ طولها سبعون ذراعاً فى عرض الاديم فيها كلّ ما يحتاج الناس اليه حتى ارش الخدش. نکته: در مصحف حضرت زهرا 7 هیچ حکمی از احکام نبوده، و قرآن هم نبوده، بلکه همگی وقایع تا آخر الزمان بوده است و این مطلب طریحی اشکال دارد.

۳۶. قال ابن المنظور فى اللسان: و المصحف و المصحف: الجامع

۱. معالم المدرستین.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۰.

للمصحف المكتوبه بين الدّفين كانهُ الصّحف و الكسر و الفتح
فيه لغه.

۳۷. قال الازهری: إنّما سُمی المصحف مصحفاً لانهُ أصحف، ای
جعل جامعاً للمصحف المكتوبه بين الدّفتين.

۳۸. روایاتی که مؤید این مطلب است که مصحف علی ۷
هم اکنون در نزد امام عصر ۷ است و آن را به هنگام ظهورش
خواهد آورد. در منابع معتبر حدیثی ذیل آمده است:

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۶۲.

۲. بصائر الدرجات، ص ۱۹۳.

۳. الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۲۸.

۴. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۴۴ و ص ۴۳.

۵. المحجّه البيضاء، ج ۲، ص ۲۶۳.

۶. مصباح الفقیه، ص ۲۷۵.

والحمد لله رب العالمين.